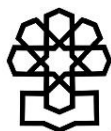




# بررسی نقش سیاست‌های ارزی در تحولات بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۹۷۰

کد موضوعی: ۲۲۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی نقش سیاست‌های ارزی در تحولات بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بازرگانی)

تهیه و تدوین: محبوبه عباس‌زاده

ناظران علمی: سیده‌ادی موسوی نیک، موسی شهیازی غیاثی

اظهار نظر کننده: حسین هرورانی

ویراستار ادبی: سیده‌مرضیه موسوی‌راد

واژه‌های کلیدی:

۱. نرخ ارز

۲. صادرات

۳. واردات

۴. بازرگانی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۳/۱۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	خلاصه مدیریتی
۳	مقدمه
۴	۱. بررسی نقش سیاست‌های ارزی در توسعه صادرات براساس نظریات اقتصادی
۴	۱-۱. شرط مارشال لرنر
۴	۲-۱. مدل کشش‌ها
۵	۳-۱. مدل جذب
۶	۴-۱. مدل منحنی J
۷	۲. بررسی نحوه و میزان اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر صادرات و واردات کل کشور
۸	۱-۲. صادرات
۸	۲-۲. واردات
۹	۳-۲. تراز تجاری
۱۰	۴-۲. نرخ ارز حقیقی
۱۲	۳- بررسی اثرگذاری سیاست ارزی بر میزان صادرات و واردات کشور در گروه‌های کالایی برمبنای کد تعرفه گمرکی
۱۴	۱-۳. صادرات گروه‌های کالایی برمبنای کد تعرفه گمرکی
۱۴	۱-۱-۳. گروه حیوانات زنده
۱۴	۲-۱-۳. گروه محصولات نباتی
۱۵	۳-۱-۳. گروه چربی‌ها و روغن حیوانی
۱۶	۴-۱-۳. گروه محصولات صنایع غذایی
۱۶	۵-۱-۳. گروه محصولات معدنی
۱۷	۶-۱-۳. گروه محصولات صنایع شیمیایی
۱۸	۷-۱-۳. گروه مواد پلاستیکی
۱۸	۸-۱-۳. گروه پوست خام و چرم
۱۹	۹-۱-۳. گروه چوب و اشیای چوبی
۱۹	۱۰-۱-۳. گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی
۲۰	۱۱-۱-۳. گروه مواد نسجی و مصنوعات
۲۰	۱۲-۱-۳. گروه انواع کفش
۲۱	۱۳-۱-۳. گروه مصنوعات از سنگ
۲۲	۱۴-۱-۳. گروه مروارید و سنگ‌های گرانبها
۲۲	۱۵-۱-۳. گروه فلزات معمولی
۲۳	۱۶-۱-۳. گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی و ادوات برقی
۲۳	۱۷-۱-۳. گروه وسیله نقلیه زمینی و هوایی
۲۴	۱۸-۱-۳. گروه دستگاه‌های اپتیک و عکاسی
۲۴	۱۹-۱-۳. گروه کالاها و مصنوعات دیگر

۲۵	..... گروه اشیای هنری و کلکسیون
۲۶	..... ۲-۳. واردات گروه‌های کالایی بر مبنای کد تعرفه گمرکی
۲۶	..... ۱-۲-۳. گروه حیوانات زنده
۲۶	..... ۲-۲-۳. گروه محصولات نباتی
۲۷	..... ۳-۲-۳. گروه چربی‌ها و روغن حیوانی
۲۷	..... ۴-۲-۳. گروه محصولات صنایع غذایی
۲۸	..... ۵-۲-۳. گروه محصولات معدنی
۲۹	..... ۶-۲-۳. گروه محصولات صنایع شیمیایی
۲۹	..... ۷-۲-۳. گروه مواد پلاستیکی
۳۰	..... ۸-۲-۳. گروه پوست خام و چرم
۳۰	..... ۹-۲-۳. گروه چوب و اشیای چوبی
۳۱	..... ۱۰-۲-۳. گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی
۳۲	..... ۱۱-۲-۳. گروه مواد نسجی و مصنوعات
۳۲	..... ۱۲-۲-۳. گروه انواع کفش
۳۳	..... ۱۳-۲-۳. گروه مصنوعات از سنگ
۳۳	..... ۱۴-۲-۳. گروه مروارید و سنگ‌های گرانبها
۳۴	..... ۱۵-۲-۳. گروه فلزات معمولی
۳۵	..... ۱۶-۲-۳. گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی و ادوات برقی
۳۵	..... ۱۷-۲-۳. گروه وسایل نقلیه زمینی و هوایی
۳۶	..... ۱۸-۲-۳. گروه دستگاه‌های اپتیک و عکاسی
۳۶	..... ۱۹-۲-۳. گروه کالاها و مصنوعات دیگر
۳۷	..... ۲۰-۲-۳. گروه اشیای هنری و کلکسیون
۳۷	..... ۳-۳. تحلیل نتایج
۴۰	..... ۴. بررسی نقش تحریم‌های اقتصادی در تأثیرپذیری بخش بازرگانی خارجی از سیاست‌های ارزی و بالعکس
۴۳	..... نتیجه‌گیری
۴۵	..... منابع و مآخذ

### فهرست نمودار

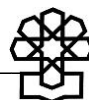
۸	..... نمودار ۱. صادرات گمرکی
۹	..... نمودار ۲. واردات گمرکی
۱۰	..... نمودار ۳. تراز تجاری
۱۱	..... نمودار ۴. نرخ ارز حقیقی (سال پایه = ۱۳۸۱)
۱۴	..... نمودار ۵. صادرات گروه حیوانات زنده (۱۳۸۱-۱۴۰۰)
۱۵	..... نمودار ۶. صادرات گروه محصولات نباتی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)
۱۶	..... نمودار ۷. صادرات گروه چربیها و روغن حیوانی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)
۱۶	..... نمودار ۸. صادرات گروه محصولات صنایع غذایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)
۱۷	..... نمودار ۹. صادرات گروه محصولات معدنی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)
۱۷	..... نمودار ۱۰. صادرات گروه محصولات صنایع شیمیایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

۱۸	نمودار ۱۱. صادرات گروه مواد پلاستیکی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۱۹	نمودار ۱۲. صادرات گروه محصولات پوست خام و چرم (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۱۹	نمودار ۱۳. صادرات گروه محصولات چوب و اشیای چوبی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۰	نمودار ۱۴. صادرات گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۰	نمودار ۱۵. صادرات گروه مواد نسجی و مصنوعات (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۱	نمودار ۱۶. صادرات گروه انواع کفش (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۱	نمودار ۱۷. صادرات گروه مصنوعات از سنگ (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۲	نمودار ۱۸. صادرات گروه محصولات صنایع غذایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۳	نمودار ۱۹. صادرات گروه فلزات معمولی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۳	نمودار ۲۰. صادرات گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۴	نمودار ۲۱. صادرات گروه وسایل نقلیه زمینی و هوایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۴	نمودار ۲۲. صادرات گروه دستگاههای اپتیک و عکاسی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۵	نمودار ۲۳. صادرات گروه کالاها و مصنوعات دیگر (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۵	نمودار ۲۴. صادرات گروه اشیای هنری و کلکسیون (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۶	نمودار ۲۵. واردات گروه حیوانات زنده (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۷	نمودار ۲۶. واردات گروه محصولات نباتی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۷	نمودار ۲۷. واردات گروه چربیها و روغن حیوانی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۸	نمودار ۲۸. واردات گروه محصولات صنایع غذایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۸	نمودار ۲۹. واردات گروه محصولات معدنی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۲۹	نمودار ۳۰. واردات گروه محصولات صنایع شیمیایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۰	نمودار ۳۱. واردات گروه مواد پلاستیکی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۰	نمودار ۳۲. واردات گروه پوست خام و چرم (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۱	نمودار ۳۳. صادرات گروه چوب و اشیای چوبی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۱	نمودار ۳۴. واردات گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۲	نمودار ۳۵. واردات گروه مواد نسجی و مصنوعات (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۳	نمودار ۳۶. واردات گروه انواع کفش (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۳	نمودار ۳۷. واردات گروه مصنوعات از سنگ (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۴	نمودار ۳۸. واردات گروه مروارید و سنگهای گرانبها (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۴	نمودار ۳۹. واردات گروه فلزات معمولی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۵	نمودار ۴۰. واردات گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۶	نمودار ۴۱. واردات گروه وسیله نقلیه زمینی و هوایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۶	نمودار ۴۲. واردات گروه دستگاههای اپتیک و عکاسی (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۷	نمودار ۴۳. واردات گروه کالاها و مصنوعات دیگر (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....
۳۷	نمودار ۴۴. واردات گروه اشیای هنری و کلکسیون (۱۳۸۱-۱۴۰۰).....

### فهرست جداول

۴۰	جدول ۱. متوسط حجم صادرات گروههای کالایی قبل و پس از تشدید تحریم (میلیون دلار).....
۴۲	جدول ۲. متوسط حجم واردات گروههای کالایی قبل و پس از تشدید تحریم (میلیون دلار).....





## بررسی نقش سیاست‌های ارزی در تحولات بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران

### چکیده

طی دهه‌های گذشته همواره سیاست‌های ارزی متفاوتی توسط سیاستگذاران اتخاذ شده است. یکی از بخش‌هایی که به‌طور مستقیم از سیاست‌های ارزی تأثیر می‌پذیرد، بخش بازرگانی خارجی است. لزوم کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و رهایی از اقتصاد تک محصولی موجب شده است تا توجه به متنوع‌سازی درآمدهای ارزی از محل بازرگانی خارجی همواره مورد تأکید قرار گیرد. از این رو به‌ویژه از برنامه چهارم توسعه افزایش رقابت‌پذیری در زمینه تولیدات داخلی و صادرات غیرنفتی مدنظر سیاستگذاران بوده و بر این مبنا در ضمن سیاست‌های ارزی اعلامی در برنامه‌های توسعه، تعیین نرخ ارز در چارچوب دستیابی به اهداف توسعه بخش بازرگانی خارجی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس در این پژوهش به بررسی اثرگذاری سیاست‌های ارزی اتخاذ شده بر تحولات بازرگانی خارجی کشور پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان داد که در طول دهه‌های گذشته علی‌رغم دغدغه‌مندی مسئولین در زمینه وضعیت تراز تجاری کشور، سیاست‌های اعمال شده در رابطه با نرخ ارز با اهداف در نظر گرفته شده برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور سازگاری نداشته است. بر این مبنا نیاز است تا ضمن پایبندی به سیاست‌های ارزی اعلامی در برنامه‌های توسعه، اصلاحاتی در سیاست‌های ارزی به‌منظور ایجاد ثبات در روند بلندمدت نرخ ارز حقیقی برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور اتخاذ شود.

### خلاصه مدیریتی

در این گزارش اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر تحولات بخش تجارت خارجی کشور پس از اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده، مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا علاوه بر بررسی صادرات و واردات کل کشور، با استخراج ۲۰ قسمت اصلی کالاهای صادراتی و وارداتی بر مبنای کد تعرفه از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران، عملکرد گروه‌های تعرفه‌ای نیز به‌طور مجزا بررسی شد. در این زمینه، ضمن تحلیل سیاست‌های ارزی اتخاذ شده در برنامه‌های توسعه، اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر کدهای تعرفه در قالب برنامه‌های سوم تا ششم توسعه تحلیل شد.

- بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد، اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی توسط مقامات پولی کشور با

اهداف سیاست‌های ارزی در نظر گرفته شده برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور سازگاری ندارد و باید برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور، ایجاد ثبات در روند بلندمدت نرخ ارز حقیقی در دستور کار قرار گیرد.

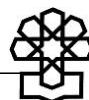
- در رابطه با اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر گروه‌های کالایی (برمبنای کد تعرفه گمرکی)، بر صادرات و واردات گروه‌ها در طی برنامه سوم تا ششم تمرکز شد، نتایج در این زمینه نشان داد؛ ترکیب بیشترین کالاهای صادراتی و وارداتی عمدتاً ثابت مانده است. به طوری که در طول تمامی برنامه‌های توسعه گروه ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی بیشترین سهم را در کل واردات داشته است. در رابطه با گروه کالاهای صادراتی نیز گروه محصولات معدنی بیشترین سهم را در صادرات در طول برنامه‌های سوم تا ششم به خود اختصاص داده است.

- همچنین، تحلیل داده‌های صادرات و واردات دربردارنده این واقعیت است که افزایش نوسانات نرخ ارز پس از تشدید تحریم‌ها، کاهش رشد و افزایش نوسان صادرات و واردات را در پی داشته است. چنین نتیجه‌ای نشان‌دهنده این است که نااطمینانی در اقتصاد به ایجاد نوسان در بخش تجارت خارجی کشور منجر شده است و چنانچه برای کاهش نوسانات نرخ ارز راهکار مناسبی اتخاذ نشود، تجارت خارجی کشور با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد.

- از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۹ روند نرخ ارز حقیقی کشور همواره نزولی بوده است و این امر زمینه‌ساز افزایش مستمر کسری تراز تجاری را فراهم آورده است. از سال ۱۳۹۰ علی‌رغم وجود نوسانات، به‌طور میانگین روند نرخ ارز حقیقی افزایشی بوده و همزمان کسری تراز تجاری کشور به تدریج کاهش یافته است.

علاوه بر این، افزایش نرخ ارز حقیقی پس از تشدید تحریم‌ها با افزایش صادرات و واردات تمامی کدهای تعرفه همراه نبوده است، براین اساس با اینکه همراه با افزایش نرخ ارز حقیقی صادرات در برخی از گروه‌های کالایی افزایش یافته، اما در برخی دیگر از گروه‌ها، میزان صادرات تفاوت چندانی نداشته و یا حتی کاهش یافته است. در رابطه با واردات نیز تنها واردات ۴ گروه کالایی پس از افزایش نرخ ارز حقیقی کاهش یافته است. این نتیجه ضمن تأکید بر نامطلوب بودن افزایش همزمان با نوسان در نرخ ارز حقیقی و آثار منفی آن بر بخش تجارت خارجی، لزوم توجه به سایر عوامل اثرگذار بر افزایش رقابت‌پذیری کالاهای داخلی را متذکر می‌شود. بر این اساس باید اقدامات و اصلاحات بسیاری در سطح بنگاه‌ها و صنایع و همچنین در سطح کلان اقتصاد برای افزایش رقابت‌پذیری کالاهای داخلی صورت گیرد.





سیاستگذاری در زمینه نرخ ارز عمدتاً از اهداف کلان اقتصادی کشورها ناشی می‌شود. کنترل تورم یا حفظ تعادل داخلی، حفظ تعادل خارجی و جلوگیری از تخصیص نادرست منابع یا حفظ رقابت‌پذیری و تقویت رشد اقتصادی و همچنین، مقابله با بحران‌ها و ساماندهی بازارها از جمله اهداف کلانی است که بر جهت‌گیری سیاست‌های ارزی مؤثر هستند. براین اساس، اگر تورم دغدغه جدی مقامات پولی کشورها باشد و نگرانی زیادی در رابطه با عبور نرخ ارز بر تورم داخلی وجود داشته باشد؛ نرخ ارز اسمی شاخصی خواهد بود که همواره توسط مقامات پولی رصد شده و سیاست‌های ارزی در قالب مداخلات عمدتاً حول کاهش نوسانات و انحرافات نامطلوب سطح نرخ ارز اسمی متمرکز خواهد شد. چنانچه سیاستگذاران در زمینه افزایش رقابت‌پذیری و وضعیت تراز تجاری دغدغه بیشتری داشته باشند؛ نرخ ارز حقیقی متغیری است که در جهت اعمال مداخلات ارزی مبنای قرار می‌گیرد و بانک‌های مرکزی براساس اهداف کلان اقتصادی اتخاذ شده برای تجارت خارجی نرخ ارز حقیقی را مدیریت خواهند کرد. همچنین، چنانچه حفظ ثبات مالی و پیشگیری از بحران‌ها مدنظر باشد، مواردی از قبیل سرعت تغییر نرخ ارز، اندازه نوسانات، حجم معاملات در بازار و عوامل مؤثر بر نرخ ارز اسمی پایش خواهند شد.<sup>1</sup>

در طول دهه‌های گذشته در برنامه‌های توسعه کشور اهداف متفاوتی برای اعمال سیاست‌های ارزی مدنظر بوده است. از لزوم حفظ ارزش پول و تثبیت نرخ ارز در برنامه سوم توسعه گرفته، تا توجه به رقابت‌پذیری اقتصادی در برنامه چهارم و تعیین نرخ ارز بر مبنای تفاوت تورم داخل و خارج و استفاده از نرخ ارز به‌عنوان ابزاری برای تعادل تراز تجاری کشور در برنامه پنجم؛ از جمله سیاست‌های متفاوتی بوده‌اند که در طول برنامه‌های توسعه در زمینه نرخ ارز اتخاذ شده است. در این میان بروز تحولات اقتصادی و سیاسی از قبیل تحریم‌های اقتصادی نیز تا حد زیادی سیاست‌های ارزی اتخاذ شده را متأثر ساخته است.

بخش بازرگانی خارجی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در راستای نیل به رشد و توسعه اقتصادی کشور، بخشی است که به‌طور مستقیم از سیاست‌های ارزی و عوامل سیاسی تأثیر می‌پذیرد. لزوم توجه به این بخش برای افزایش سهم کشور در تجارت جهانی، کاهش وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای ارزی به‌دست آمده از فروش نفت و رهایی از اقتصاد تک محصولی نفت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت‌ها مطرح بوده و یکی از اهداف مهم اقتصادی تلقی می‌شود. به‌طوری که در اغلب برنامه‌های توسعه، توجه به بخش تجارت خارجی به‌عنوان هدف اصلی در زمینه سیاست‌های ارزی عنوان شده است.

از این‌رو هدف این مطالعه، بررسی اثرگذاری سیاست‌های ارزی اتخاذ شده بر صادرات و واردات کشور است. به‌ویژه از آنجا که میزان صادرات و واردات به تفکیک اقلام عمده دارای ساختار متفاوتی باشد، اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر هر کدام از این اقلام متفاوت خواهد بود. لذا شناسایی دقیق‌تر میزان اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر هر یک از گروه‌های کالایی می‌تواند به اتخاذ سیاست‌های ارزی و بازرگانی دارای کارایی و اثربخشی

1. Moreno (2005)

بیشتر یاری رساند.

با توجه به اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده در سال ۱۳۸۱ این پژوهش به‌طور ویژه بر بازه زمانی برنامه سوم تا ششم توسعه تمرکز خواهد کرد و بر این مبنا اهداف سیاست‌گذاری ارزی طی دوره مذکور با در نظر گرفتن نحوه هدف‌گذاری در زمینه وضعیت تراز تجاری کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بر این اساس گزارش حاضر در ۵ بخش تدوین شده است. در بخش اول، نقش سیاست‌های ارزی در توسعه صادرات از منظر نظریات اقتصادی بررسی می‌شود. در بخش دوم، نحوه و میزان اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر صادرات و واردات کل بررسی خواهد شد. بخش سوم، سیاست‌های ارزی اتخاذ شده را از منظر اثرگذاری بر گروه‌های کالایی برمبنای کد تعرفه ارزیابی خواهد کرد. در بخش چهارم، نقش تحریم در چگونگی اثرپذیری بخش بازرگانی خارجی از سیاست‌های ارزی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در بخش پنجم، جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری ارائه شده و راهکارهایی در زمینه سیاست‌های ارزی جهت ارتقای بخش بازرگانی بررسی خواهد شد.

### ۱. بررسی نقش سیاست‌های ارزی در توسعه صادرات براساس نظریات اقتصادی

رابطه بین نرخ ارز و تراز تجاری را می‌توان برمبنای مدل‌های نظری از قبیل: مدل کشش‌ها، مدل جذب، شرط مارشال لرنر و مدل منحنی جی توضیح داد. در ادامه هر یک از مدل‌های نظری اشاره شده به اختصار توضیح داده خواهد شد:

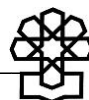
#### ۱-۱. شرط مارشال لرنر

شرط مارشال-لرنر تعمیم‌یافته روش کشش است. براساس این روش، چنانچه حجم صادرات و واردات به اندازه کافی نسبت به تغییرات نرخ ارز واقعی کشش‌پذیر باشد یا به تعبیر بهتر اگر مجموع قدر مطلق کشش قیمتی تقاضای صادرات و واردات بزرگتر از یک باشد، آنگاه در بلندمدت تضعیف ارزش پول، موجب بهبود تراز تجاری کشور خواهد شد. در حالتی که مجموع قدر مطلق کشش قیمتی تقاضای صادرات و واردات برابر یک باشد، در بلندمدت تضعیف ارزش پول بر تراز تجاری کشور اثرگذار نخواهد بود.

#### ۱-۲. مدل کشش‌ها

مدل کشش‌ها یکی از متداول‌ترین و مشهورترین مدل‌های تعیین نرخ ارز است. در این روش قیمت نسبی کالاهای وارداتی برحسب کالاهای صادراتی در تعیین نرخ ارز نقش ویژه‌ای دارد. بنابراین:

$$p = \frac{p_m}{p_x}$$



در این رابطه،  $p_x$  قیمت نسبی صادرات و  $p_m$  قیمت نسبی واردات است. افزایش در  $p$  نشان دهنده افزایش در نرخ مبادله یا کاهش ارزش پول داخلی است. تعدادی از فروض که در این روش در نظر می‌گیریم به قرار زیر خلاصه می‌شود:

۱. نرخ مبادله در نرخ‌های مبادله شناور به وسیله نیروهای حاکم بر بازار تعیین می‌شود.
  ۲. براساس فروض فوق، دخالت بانک مرکزی یا مقامات پولی کشور در بازار مبادله خارجی به چشم نمی‌خورد.
  ۳. در اقتصاد نقل و انتقال سرمایه‌ای وجود ندارد.
  ۴. در راستای برقراری تعادل در حساب‌های خارجی داخلی، حساب جاری تراز پرداخت‌های داخلی با دنیای خارج در تعادل قرار دارد. یعنی، نرخ ارز به تعادل در بازار مبادله خارجی منجر می‌شود.
  ۵. منحنی‌های عرضه و تقاضا برای ارز به‌طور نسبی با کشش هستند و شرط مارشال لرنر صادق است. با این فرض که کاهش ارزش پول به تغییر در قیمت نسبی  $p$  منجر شود؛ بر این اساس، تأثیر افزایش نرخ ارز واقعی بر حساب جاری بستگی دارد به اینکه آیا مجموع کشش‌های تقاضا برای صادرات و واردات بزرگتر از یک است یا خیر؟ در صورتی که رابطه فوق صادق باشد، تقاضا برای واردات و صادرات با کشش است و افزایش نرخ ارز واقعی به بهبود تراز پرداخت‌ها منجر خواهد شد، ولی اگر تقاضا برای صادرات و واردات کم کشش باشند، در این صورت افزایش نرخ ارز واقعی به خرابی حساب جاری تراز پرداخت‌ها منجر خواهد شد.
- در روش کشش‌ها، عمل تعدیل در حساب جاری تراز پرداخت‌ها عمدتاً از طریق تغییرات در نرخ مبادله صورت می‌گیرد. روش مزبور در نهایت از نرخ ارزی حمایت می‌کند که بر مبنای نیروهای حاکم بر بازار، یعنی دریافتی‌ها (عرضه) و پرداختی‌های ارز تعیین شود. این نرخ ارز براساس کشش‌پذیری تقاضا برای واردات و صادرات محاسبه می‌شود.

### ۱-۳. مدل جذب

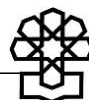
بررسی نرخ مبادله براساس روش جذب بعد از جنگ جهانی دوم گسترش یافت. الکساندر در بررسی مدل کشش‌ها، مشکلات آن را شناسایی کرد. به ادعای روش جذب، تنها در شرایطی که سیاست‌های انقباضی پولی و مالی همراه با سیاست کاهش ارزش پول مورد استفاده قرار گیرد، عدم تعادل در تراز پرداخت‌ها بهبود می‌یابد. در غیر این صورت، سیاست کاهش ارزش پول به تنهایی نمی‌تواند تعادل در حساب‌های خارجی را محقق سازد. الکساندر با تبیین اتحاد تراز بازرگانی خارجی که تفاضل میان تولید کل کالا و خدمات ( $Y$ ) و جذب کل کالا و خدمات ( $A$ ) را بیان می‌کند. به بررسی چگونگی تأثیر کاهش ارزش پول بر مصرف، درآمد و جذب پرداخت. بر مبنای این روش، چنانچه تولید داخلی با مصرف داخلی برابر باشد، تراز بازرگانی خارجی نیز در وضعیت تعادل قرار می‌گیرد و صادرات با واردات برابر خواهد بود. چنانچه تولید داخلی از مصرف داخلی بیشتر یا کمتر باشد، تراز بازرگانی از وضعیت تعادل خارج می‌شود. اگر تولید داخلی از مصرف داخلی بیشتر باشد، تراز بازرگانی با مازاد روبرو می‌شود و این به معنای فزونی صادرات از واردات است، ولی اگر تولید داخلی کمتر از مصرف

داخلی شود، کسری در تراز بازرگانی خارجی پدیدار می‌شود و صادرات از واردات کمتر خواهد شد. بنابراین در شرایط مزبور و زمانی که کسری در تراز بازرگانی خارجی پدیدار شود، کاهش ارزش پول به تنهایی نمی‌تواند مفید باشد. چنانچه کاهش ارزش پول به افزایش نسبی تولید نسبت به مصرف یا کاهش نسبی مصرف نسبت به تولید منجر شود، می‌تواند کسری به‌وجود آمده در بازرگانی خارجی را ترمیم کند. بنابراین، سیاست کاهش ارزش پول زمانی موفق خواهد بود که همراه سیاست‌هایی که به تحدید و کنترل واردات منجر می‌شوند، مورد استفاده قرار گیرد. چنانچه ظرفیت اضافی تولید در اقتصاد وجود داشته باشد، کاهش ارزش پول با افزایش عرضه در اقتصاد منجر خواهد شد. افزایش عرضه در اقتصاد از طریق افزایش تولید برای صادرات و افزایش تقاضا برای کالاهای جانشینی (به‌دلیل گران‌تر شدن واردات) حادث خواهد شد، ولی اگر کاهش ارزش پول نتواند به بهبود سمت عرضه اقتصاد کمک رساند، باید با کاهش جذب همراه باشد تا بتواند به تعدیل حساب‌های خارجی بینجامد.

#### ۱-۴. مدل منحنی J

بر اساس مدل مزبور، هنگامی که نرخ مبادله تغییر کند، انجام معامله و خرید کالاها به تغییرات کوتاه‌مدت در موازنه حساب جاری منجر می‌شود. این منحنی برای توضیح حرکت حساب جاری طی زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. حساب جاری ممکن است در ابتدا خراب شود، زیرا ممکن است صادرات بر حسب پول داخلی محاسبه شود و درآمدهای ارزی کمتری را کسب کند، در حالی که واردات با پول خارجی انجام می‌شود، یعنی کاهش ارزش پول ممکن است در ابتدا حساب جاری را خراب کند، زیرا هزینه ریالی (پول داخلی) قراردادهای گذشته کشور برای واردات افزایش می‌یابد، در حالی که ارزش ریالی (پول داخلی) صادرات کشور بدون تغییر باقی می‌ماند. در این وضعیت، تنها زمانی امید به بهبود حساب جاری وجود دارد که حجم واردات در عکس‌العمل به افزایش قیمت واردات کاهش و حجم صادرات در عکس‌العمل به کاهش قیمت‌ها بر حسب پول خارجی افزایش یابد. بنابراین، اثر اولیه کاهش ارز پول معمولاً منفی است، زیرا قیمت واردات بر حسب پول داخلی از افزایش شدیدتری نسبت به قیمت صادرات برخوردار بوده و در این وضعیت، زمان کافی برای تعدیل حجم تجارت در اختیار نیست، اما بعد از یک وقفه، با کاهش در نرخ رشد واردات، افزایش در نرخ رشد صادرات و تقلیل فاصله میان شاخص‌های قیمتی واردات و صادرات تراز تجاری بهبود می‌یابد.

کاهش ارزش پول به دو تأثیر «مقداری» و «ارزشی» منجر خواهد شد. «تأثیر مقداری» کاهش ارزش پول بیانگر افزایش صادرات و کاهش واردات است و «تأثیر ارزشی» آن، نشان‌دهنده افزایش هزینه واردات بر حسب پول داخلی است. در عمل مشاهده می‌شود «تأثیر ارزشی» که به خرابی تراز تجاری منجر می‌شود ممکن است قبل از «تأثیر مقداری» که باعث بهبود تراز تجاری می‌شود، اتفاق افتد. برای مثال، فرض کنید که ارزش ریال کاهش یابد؛ کالاهای صادراتی ایران برای مدتی همان‌هایی خواهند بود که قبل از کاهش ارزش پول سفارش شده‌اند. چنانچه قیمت این قبیل کالاها در زمان سفارش به «ریال» تعیین شده باشد، دریافتی‌های حاصل از



صادرات فوراً در مقابل کاهش ارزش پول عکس‌العمل نشان نمی‌دهند و ثابت باقی می‌مانند، اما کالاهای وارداتی که قبل از کاهش ارزش پول سفارش داده شده بودند، قیمت بسیاری از آنها بر حسب پول خارجی تعیین می‌شود و در نتیجه کاهش ارزش ریال، هزینه ریالی آنها افزایش می‌یابد. پس از سپری شدن دوره مزبور، هنگامی که قراردادهای جدید منعقد می‌شود، صادرات و واردات به کاهش ارزش پول واکنش نشان می‌دهند. البته هرگونه بهبود در تراز پرداخت‌ها به پایداری و ثبات بازار مبادله خارجی و برقراری شرط مارشال لرنر بستگی دارد. وضعیت مزبور چنانکه گفته شد به منحنی J مشهور است، زیرا در صورت وقوع وضعیت یاد شده، منحنی مازاد تجاری به صورت J رسم خواهد شد.<sup>۱</sup>

## ۲. بررسی نحوه و میزان اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر صادرات و واردات کل کشور

با توجه به گسترش رانتهای ناشی از چند نرخ بودن ارز و فاصله بیش از ۴.۵ برابری نرخ ارز بازار آزاد از نرخ رسمی در آغاز دهه ۱۳۸۰ شمسی، موضوع یکسان‌سازی نرخ ارز به‌عنوان یک دغدغه جدی در محافل اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. در این راستا، بهبود نسبی وضعیت درآمدهای نفتی زمینه مناسبی برای اجرای سیاست تک‌نرخ ارز تلقی می‌شد و بر این مبنا از سال ۱۳۸۱ سیاستگذاران همراه با اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده، سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز را در پیش گرفتند. اتخاذ این سیاست تا حدود یک دهه موجب یکسان‌سازی نرخ ارز در اقتصاد کشور شد و بانک مرکزی به‌عنوان رهبر در بازار ارز با تأمین ارز تمامی متقاضیان براساس نرخ رسمی توانست نرخ ارز را تا حد زیادی تثبیت کند.

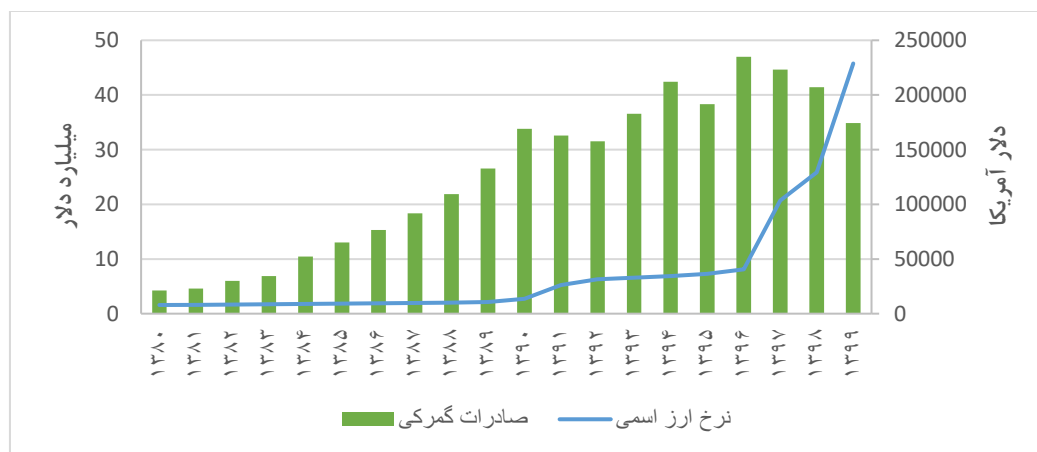
در این زمینه لازم است ذکر شود؛ تثبیت نرخ ارز در اقتصاد ایران عمدتاً به‌عنوان راهکاری برای کنترل تورم به‌کار برده شده است. در واقع دولت‌ها به جای ایجاد انضباط مالی و برقراری چارچوب سیاست پولی کارآمد، از لنگر اسمی نرخ ارز برای کنترل انتظارات تورمی استفاده کرده‌اند. اعمال سیاست تثبیت تا حدودی در کنترل تورم و انتظارات تورمی موفق بوده است، اما مواردی از قبیل ناترازی بودجه کشور، سیاست‌های پولی ناکار و مشکلات ساختاری نظام بانکی موجب رشد بالای نقدینگی شده و عموماً پس از یک دوره تثبیت، جهش‌های ارزی به وقوع پیوسته است. در این رابطه افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت عاملی بوده است که قدرت مقامات پولی را برای مدیریت بازار ارز و اجرای سیاست تثبیت افزایش داده است. در واقع هرگاه درآمدهای ارزی دولت افزایش یافته و ذخایر ارزی بانک مرکزی در سطح مطلوبی قرار داشته، مقامات پولی در مدیریت بازار ارز موفق بوده‌اند و با کاهش ذخایر ارزی بانک مرکزی، قدرت اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی کاهش یافته و انحرافات و نوسانات نرخ ارز رخ داده است. در این زمینه با تشدید تحریم‌ها در سال ۱۳۸۹ بانک مرکزی تا حد امکان از سیاست تثبیت نرخ ارز برای کنترل بازار و مدیریت انتظارات تورمی استفاده کرد، اما با کاهش سطح ذخایر خارجی به تدریج قدرت اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز توسط بانک مرکزی کاهش یافت.

۱. رحیمی بروجردی (۱۳۹۸).

## ۱-۲. صادرات

طی دهه ۱۳۸۰ شمسی سیاست‌ها و راهکارهای متعددی برای تشویق صادرات به اجرا گذاشته شد. در این دوره مواردی از قبیل؛ افزایش حضور ایران در بازارهای بین‌المللی، گسترش تنوع کالاهای صادراتی و اضافه شدن خدمات به سبب صادراتی کشور و همچنین، بهبود مناسبات سیاسی فضای مناسبی را برای ارتقای صادرات گمرکی کشور پدید آورد. در این راستا، اتخاذ سیاست‌های تجاری جهت گسترش صادرات در کنار ثبات و آرامش بازار ارز در نتیجه اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز موجب شد تا در دهه ۱۳۸۰ روند صادرات گمرکی کشور همواره صعودی باشد. متوسط صادرات گمرکی طی بازه زمانی (۱۳۸۱-۱۳۸۹) برابر با ۱۳.۶۶ میلیارد دلار بوده و طی این مدت صادرات کشور سالیانه به‌طور متوسط ۲۳.۱۸ درصد رشد کرده است.

### نمودار ۱. صادرات گمرکی



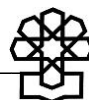
منبع: داده‌های بانک مرکزی و گمرک جمهوری اسلامی ایران.

با آغاز دهه ۱۳۹۰ و افزایش نااطمینانی در نرخ ارز، نرخ رشد صادرات کشور نسبت به دهه قبل از آن کاهش محسوسی داشته است. بر این اساس، طی دهه ۱۳۹۰ متوسط نرخ رشد صادرات گمرکی کشور تنها ۳.۷۳ درصد بوده است.<sup>۱</sup> به‌طور کلی میزان صادرات کشور در دهه مذکور با نوسان بسیار زیادی همراه بوده است. کمترین نرخ رشد در دهه ۱۳۹۰ در سال ۱۳۹۹ و با رشد ۱۵.۸۴- درصدی و بیشترین نرخ رشد صادرات نیز در سال ۱۳۹۰ و با نرخ ۲۷.۳۷ درصدی اتفاق افتاده است. در این زمینه، مسلماً یکی از علل اصلی افزایش نوسان در نرخ رشد صادرات، افزایش نوسانات نرخ ارز در دوره دوم بوده است.

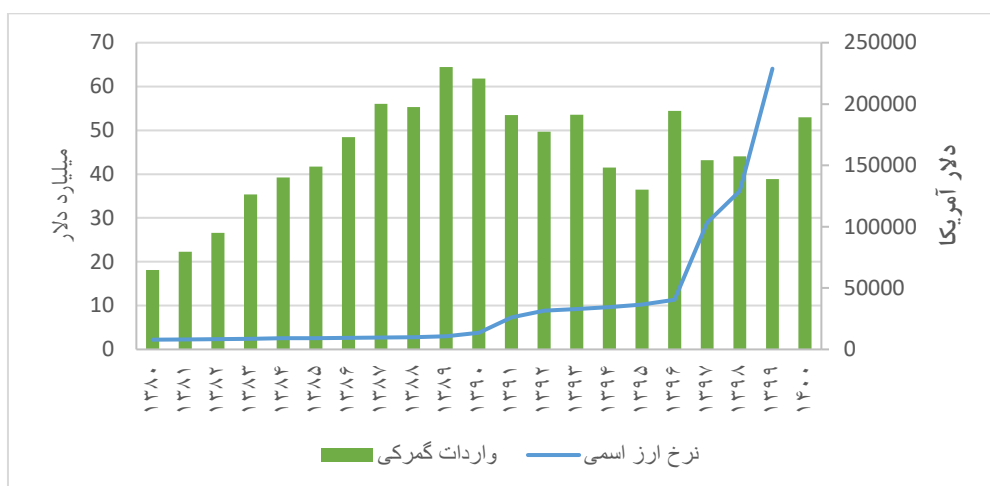
## ۲-۲. واردات

در نمودار ۲، روند واردات گمرکی کشور به تصویر کشیده شده است:

۱. همان.



## نمودار ۲. واردات گمرکی



منبع: داده‌های بانک مرکزی و گمرک جمهوری اسلامی ایران.

همان‌طور که در نمودار ۲، مشاهده می‌شود، روند واردات گمرکی در طول دهه ۱۳۸۰ (صرف‌نظر از نزول یک دوره‌ای در سال ۱۳۸۸) همواره صعودی بوده است. طی این دوره واردات کشور به‌طور متوسط ۴۳.۲۷ میلیارد دلار بوده و سالیانه ۱۵.۵۱ درصد رشد کرده است. افزایش درآمدهای ارزی و اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز، در کنار کاهش بسیاری از محدودیت‌های اعمال شده بر واردات و اتخاذ سیاست‌های سهل‌گیرانه‌تر، رشد چشمگیر واردات طی دهه ۱۳۸۰ را موجب شده است.

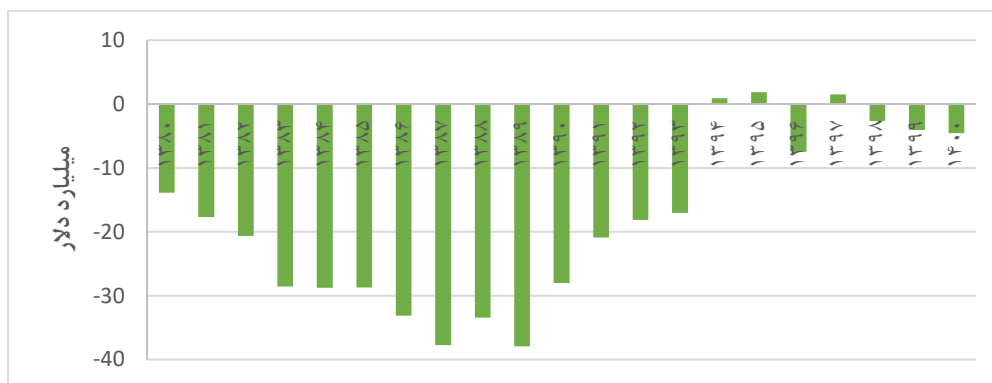
از آغاز دهه ۱۳۹۰، روند واردات کشور با نوسان همراه بوده است. به‌طوری که نرخ رشد آن بین ۲۰.۷۳- تا ۴۹.۴۶ درصد متغیر بوده است. متوسط سالیانه واردات طی این بازه زمانی (۱۳۹۰-۱۳۹۹) ۴۷.۷۱ میلیارد دلار و نرخ رشد متوسط آن ۳.۲۵- درصد بوده است که این امر به‌وضوح کاهش رشد واردات را نسبت به دوره زمانی مشابه قبل نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

## ۲-۳. تراز تجاری

مقایسه دو دوره زمانی (۱۳۸۱-۱۳۸۹) و (۱۳۹۰-۱۳۹۹) نشان می‌دهد که در هر دو دوره متوسط واردات سالیانه بیشتر از میزان صادرات بوده است. با این حال میزان کسری تراز تجاری در دوره دوم به نسب کاهش یافته است. در دوره دوم به‌طور متوسط سالیانه شاهد ۹.۳۹- میلیارد دلار کسری بوده‌ایم که مقایسه آن با متوسط کسری ۲۹.۶۰- دلاری در دوره اول، نشانگر این است که در دوره دوم تراز تجاری کشور بهبود یافته است. بنابراین، به‌طور کلی در دوره دوم کسری تراز تجاری به نسبت کاهش یافته و حتی در مقاطعی این حساب مثبت شده است.

۱. در رابطه با متوسط‌های رشد طی بازه‌های زمانی، در ابتدا نرخ رشد متغیر واردات برای هر سال نسبت به سال قبل از آن محاسبه شده و نهایتاً متوسط نرخ‌های رشد در بازه زمانی منظور شده است.

### نمودار ۳. تراز تجاری



منبع: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

همان‌طور که در نمودار ۳، نشان داده شده؛ تراز تجاری در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷ مثبت بوده است. با این حال مطابق با آنچه پیش‌تر ذکر گردید؛ اگرچه در دوره دوم و هم‌زمان با عدم ثبات در وضعیت ارزی کشور، ارزش دلاری صادرات و واردات نسبت به دوره اول افزایش یافته؛ اما نرخ رشد هر دوی این متغیرها به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است. بر این اساس، هرچند در خلال دو دهه اخیر ارزش کلی صادرات کشور به‌طور متوسط از ۱۳۶۶ میلیارد دلار به ۳۸۳۱ میلیارد دلار افزایش یافته است، اما در همین مدت زمان، رشد صادرات کشور با کاهش قابل توجهی مواجه بوده است و از متوسط رشد ۲۳۱۸ درصدی در دوره اول به رشد ۳۰۷۳ درصدی در بازه زمانی (۱۳۹۹-۱۳۹۰) کاهش یافته است. در رابطه با واردات نیز، نرخ رشد از ۱۵۵۱ درصد در دوره اول به نرخ ۳۰۲۵- درصد در دوره دوم کاهش یافته است.

### ۲-۴. نرخ ارز حقیقی

به‌طور کلی، ادبیات اقتصادی در رابطه با نرخ ارز از رابطه مستقیم این متغیر با تراز تجاری حکایت دارد. بر این اساس افزایش نرخ ارز حقیقی از طریق کاهش قیمت کالاهای صادراتی ما برای کشورهای خارجی، رقابت‌پذیری کالاهای داخلی را افزایش داده و موجب افزایش صادرات می‌شود. ضمن اینکه افزایش نرخ ارز حقیقی واردات را تضعیف کرده و در نهایت موجب بهبود تراز تجاری خواهد شد. در مقابل، کاهش نرخ حقیقی ارز از طریق کاهش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی در مقابل رقبای خارجی و همچنین، کاهش قیمت نسبی کالاهای وارداتی در مقابل کالاهای داخلی به تضعیف تراز تجاری منجر خواهد شد. لذا حفظ و یا ارتقای نرخ ارز حقیقی اثر مثبت و کاهش آن اثر منفی بر تراز تجاری کشور خواهد داشت.

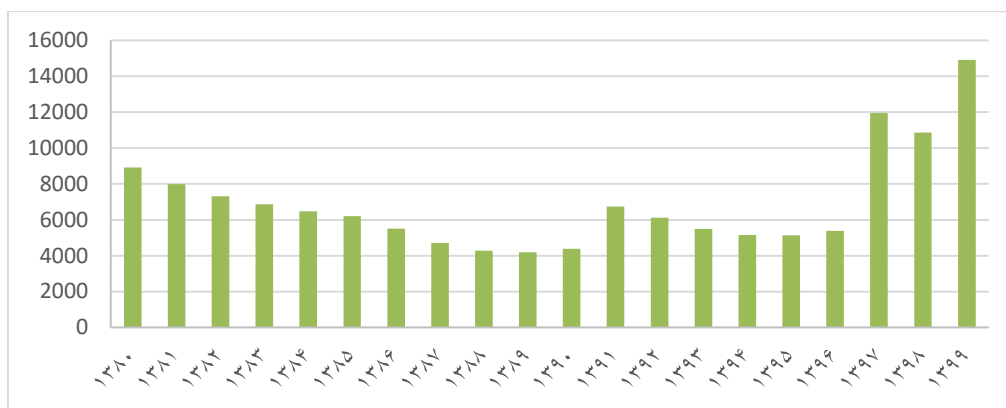
برای تبیین بیشتر موضوع اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر تراز تجاری کشور، روند نرخ ارز حقیقی در قالب نمودار ۴، به تصویر کشیده شده است.<sup>۱</sup>

۱. برای محاسبه نرخ ارز حقیقی از رابطه  $R = E * \frac{P^*}{P}$  استفاده شده است. در این رابطه  $R$  نرخ ارز حقیقی،  $E$  نرخ ارز اسمی،  $P^*$  سطح عمومی





## نمودار ۴. نرخ ارز حقیقی (سال پایه = ۱۳۸۱)



منبع: داده‌های بانک مرکزی و بانک جهانی.

همان‌طور که در نمودار ۴، نشان داده شده است؛ در دوره اول (۱۳۸۱-۱۳۸۹)، تثبیت نرخ ارز اسمی کاهش مستمر نرخ ارز حقیقی را در پی داشته است. در واقع ثابت نگه داشتن نرخ ارز اسمی بدون توجه به بی‌انضباطی نقدینگی و افزایش تورم داخلی دلیل اصلی کاهش نرخ ارز حقیقی در دوره اول بوده است. این وضعیت در تقابل با سیاست‌های ارزی اعلامی در برنامه‌های توسعه قرار دارد. در برنامه چهارم و پنجم توسعه بر افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی تأکید شده و بهبود وضعیت تراز تجاری مدنظر سیاستگذاران بوده است. بر این اساس نرخ ارز حقیقی متغیری بود که باید جهت هماهنگ‌سازی سیاست‌های ارزی برای تحقق هدف بهبود تراز تجاری مبنا قرار می‌گرفت. بنابراین باید تعدیلات نرخ ارز اسمی بر مبنای تفاوت تورم داخلی و خارجی، اعمال می‌شد. در واقع، چنانچه سیاستگذار قصد حفظ تراز تجاری را دارد تعدیل نرخ ارز اسمی برابر با تفاوت تورم داخل و خارج سیاست بهینه بوده و چنانچه قصد افزایش تراز تجاری را داشته باشد، باید تعدیلات نرخ ارز اسمی به میزانی بیش از تفاوت تورم داخلی و خارجی اعمال شود، اما در عمل نگرانی از افزایش نرخ ارز اسمی و عبور آن به نرخ تورم داخلی موجب شده است که در تمام سال‌های دوره اول، تثبیت نرخ ارز اسمی در اولویت قرار گیرد. چنین راهکاری با پایین نگه داشتن غیرواقعی نرخ ارز اسمی به کاهش نرخ ارز حقیقی منجر شده و در نهایت بر خلاف هدف اولیه بهبود تراز تجاری در برنامه‌های چهارم و پنجم با تضعیف صادرات و ترغیب واردات به تشدید کسری تراز تجاری دامن زده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که هرچند در برنامه‌های توسعه بر بهبود وضعیت تراز تجاری تأکید شده است، اما عملاً این هدف هیچ‌گاه در اولویت نبوده و نگرانی از افزایش تورم موجب شده تا مقامات پولی، علی‌رغم داشتن دغدغه در زمینه گسترش صادرات

قیمت‌ها در آمریکا و P سطح عمومی قیمت‌ها در ایران است. در این پژوهش سال ۱۳۸۱ (سال یکسان‌سازی موفق بازار ارز) به‌عنوان سال پایه در نظر گرفته شده است.

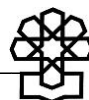
غیرنفتی، همواره تثبیت نرخ ارز اسمی را در دستور کار قرار دهند. اما در دوره دوم (۱۳۹۹-۱۳۹۰) و همزمان با کاهش قدرت مقامات بانک مرکزی برای تثبیت نرخ ارز اسمی، نرخ ارز حقیقی با وجود نوسانات دوره‌ای به‌طور متوسط افزایش یافته، به‌طوری که نرخ رشد نرخ ارز حقیقی طی بازه زمانی مذکور ۱۸.۷۴ درصد بوده است.<sup>۱</sup> این موضوع در کنار محدودیت‌های قانونی واردات و عدم تخصیص ارز بر واردات برخی از کالاها، می‌تواند به‌عنوان یکی از علل کاهش کسری تراز تجاری در دوره دوم مطرح شود. نکته قابل توجه اینکه روند رشد صادرات گمرکی در سال ۱۴۰۰ و همچنین، ۱۴۰۱ نیز ادامه داشته و این امر بهبود وضعیت تراز تجاری را طی سال‌های اخیر در پی داشته است.

### ۳- بررسی اثرگذاری سیاست ارزی بر میزان صادرات و واردات کشور در گروه‌های کالایی برمبنای کد تعرفه گمرکی

مرور برنامه‌های توسعه اقتصادی حاکی از آن است که طی برنامه‌های مختلف توسعه اهداف متفاوتی برای مدیریت بازار ارز توسط مقامات پولی کشور اتخاذ شده است. به‌طوری که در برنامه‌ی اول توسعه اتخاذ سیاست‌های ارزی برای ایجاد هرچه بیشتر تعادل در واردات و صادرات مورد توجه بوده است. در برنامه دوم توسعه، سیاستگذار ارزی همراه با تأکید بر ضرورت حفظ ارزش پول ملی، اتخاذ سیاست‌های ارزی مناسب برای تشویق صادرات را متذکر شده است. طی سال‌های برنامه‌های سوم توسعه، هدف حفظ ارزش پول ملی بیش از سایر اهداف مدنظر سیاستگذار بوده است. بر این اساس، تبصره «۳» ماده (۸۶) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، دولت را مکلف کرده است تا در اعمال سیاست‌های ارزی خود حفظ ارزش پول ملی را مبنا قرار دهد. در طول این برنامه و از سال ۱۳۸۱ نظام ارزی شناور مدیریت شده به‌عنوان نظام ارزی کشور تعیین و بانک مرکزی در زمینه مداخله در بازار ارز برای کنترل نوسانات نامطلوب نرخ ارز مجاز شناخته شد. براین مبنا بانک مرکزی به پشتوانه سطح مطلوب ذخایر خارجی توانست نوسانات نرخ ارز را به حداقل رساند. بنابراین، عدم اطمینان در اقتصاد کاهش یافت و محیط نسبتاً مطلوبی برای فعالیت کسب‌وکارها فراهم آمد.

از برنامه چهارم توسعه، با توجه به رویکرد کلی برنامه که تعامل بیشتر با اقتصاد بین‌المللی تعریف شده بود، ایجاد و حفظ رقابت‌پذیری اقتصادی به‌طور قابل ملاحظه‌ای مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی کشور قرار گرفت. در این راستا سیاستگذاری در زمینه نرخ ارز نیز در جهت تحقق اهداف کلی این برنامه انجام شد. بر این اساس، در ماده (۴۱) این قانون آمده است: «در جهت بهبود فضای کسب‌وکار در کشور و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی و تعامل با جهان پیرامون دولت موظف به کنترل نوسانات شدید نرخ ارز در تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، به‌صورت نرخ شناور مدیریت شده و با استفاده از ساز و کار عرضه و تقاضا شده است.» در ماده (۱)

۱. ابتدا نرخ‌های رشد سالیانه نرخ ارز حقیقی محاسبه شده و سپس متوسط نرخ‌های رشد طی بازه زمانی مورد نظر منظور شده است.



این قانون ایجاد و فعالیت حساب ذخیره ارزی به‌عنوان ابزاری جهت مدیریت درآمدهای ارزی دولت در دوران رکود و رونق پیش‌بینی شده بود. بر این اساس مقرر شده بود تا مازاد حاصل از درآمدهای نفتی به این حساب واریز شده و استفاده از وجوه این حساب به موارد کاهش عواید حاصل از صادرات نفت محدود شود. با این حال در مرحله اجرا، مقامات پولی کشور بدون توجه به مصوبات این قانون و حتی الزامات نظام ارزی شناور مدیریت شده، با تزریق حجم زیادی از درآمدهای ارزی به بازار، تثبیت نرخ ارز را مبنای عمل قرار دادند. افزایش قیمت نفت و درآمدهای ارزی مقامات بانک مرکزی را در کنترل نوسانات و انحرافات نامطلوب نرخ ارز یاری کرد و سطح نرخ ارز تا پایان برنامه چهارم به‌طور قابل‌توجهی تثبیت شد. بنابراین در عمل اهداف در نظر گرفته شده برای ایجاد حساب ذخیره ارزی نیز محقق نشد.

در برنامه پنجم توسعه، صریحاً نحوه سیاستگذاری در مورد نرخ ارز تبیین و حفظ سطح مطلوب ذخایر خارجی در کنار افزایش رقابت‌پذیری تجاری به‌عنوان دو هدف اصلی سیاستگذاران برای مدیریت بازار ارز عنوان شد. به عبارت دیگر، در این چارچوب بر تقویت نقش نرخ ارز به‌عنوان ابزاری برای بهبود تراز تجاری کشور تأکید شده بود. بر این اساس، در بند: «ج» ماده (۸۱) این قانون آمده است: نظام ارزی کشور، «شناور مدیریت‌شده» است. نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی تعیین خواهد شد.

در این دوره پس از تشدید تحریم‌های اقتصادی و جهش ارزی سال ۱۳۹۱ بانک مرکزی به‌منظور کنترل و مدیریت بازار ارز مجدداً به سیاست تثبیت روی آورد. بنابراین با اینکه بر مبنای مفاد این قانون باید وضعیت نرخ ارز حقیقی در سیاستگذاری ارزی مبنای قرار می‌گرفت، اما در عمل تا حد امکان به تثبیت نرخ ارز اسمی اقدام شد.

در برنامه ششم نیز توسعه صادرات، دغدغه سیاستگذاران بوده و در این راستا در بند «ذ» ماده (۴) این قانون، بر اصلاح سیاست‌های ارزی و تجاری و تعرفه‌ای حداکثر تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه با رویکرد ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیر ساختن کالاهای تولید داخل برای صادرات تأکید شده بود.

بنابراین ملاحظه می‌شود که از برنامه چهارم به‌طور ویژه تعیین نرخ ارز در جهت تحقق ارتقای رقابت‌پذیری و توسعه صادرات همواره مورد توجه سیاستگذاران کشور بوده است.

پس از تشریح سیاست‌های ارزی اعلامی برنامه‌های توسعه در ادامه به بررسی اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر تحولات ۲۰ گروه کالایی مختلف بر مبنای کدهای تعرفه در طول برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، چهارم (۱۳۸۹-۱۳۸۴)، پنجم (۱۳۹۵-۱۳۹۰) و ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶) توسعه پرداخته خواهد شد. به این منظور از داده‌های صادرات و واردات بر مبنای کد تعرفه گمرکی استفاده می‌شود. گروه حیوانات زنده، گروه محصولات نباتی، چربی‌ها و روغن حیوانی، محصولات صنایع غذایی، محصولات معدنی، محصولات صنایع شیمیایی، مواد پلاستیکی، پوست خام و چرم، چوب و اشیای چوبی، خمیر چوب یا سایر مواد الیافی، مواد نساجی و مصنوعات،

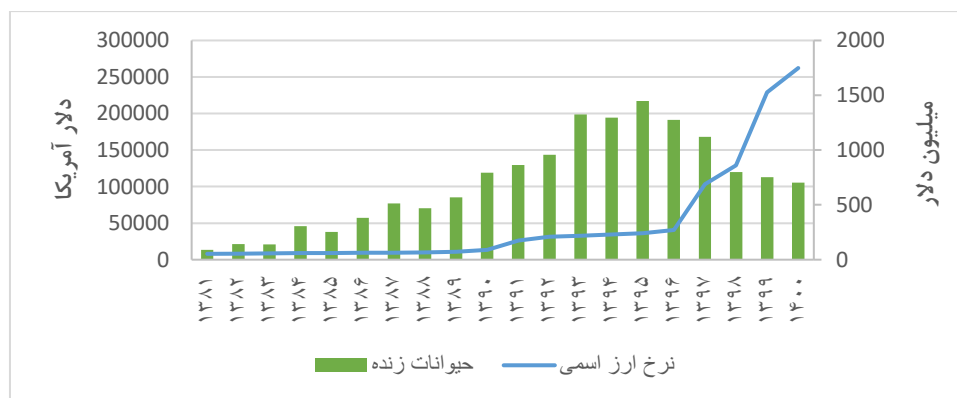
انواع کفش، مصنوعات از سنگ، مروارید و سنگ‌های گرانبها، فلزات معمولی، ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی، وسایل نقلیه زمینی و هوایی، دستگاه‌های اپتیک و عکاسی، کالاها و مصنوعات دیگر و اشیای هنری و کلکسیون ۲۰ گروه کالایی تفکیک شده بر مبنای کد تعرفه گمرکی هستند.

### ۳-۱. صادرات گروه‌های کالایی بر مبنای کد تعرفه گمرکی

#### ۳-۱-۱. گروه حیوانات زنده

صادرات در گروه حیوانات زنده به‌خصوص تا سال ۱۳۹۳ عمدتاً افزایشی بوده است و رشدهای بالایی در صادرات این گروه ثبت شده است. در سال ۱۳۸۴ رشد حدوداً ۱۲۰ درصدی برای این گروه به ثبت رسیده است. از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ صادرات در این گروه کالایی مرتباً کاهش یافته و با نرخ‌های منفی همراه بوده است. با این حال، این گروه سهم تقریباً ثابتی از صادرات در طول برنامه‌های توسعه داشته است. محصولات این گروه ۲۰۳ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۲۳۶ درصد از برنامه چهارم، ۳۰۱۸ درصد از برنامه پنجم و ۲۰۴۵ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند.

#### نمودار ۵. صادرات گروه حیوانات زنده (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

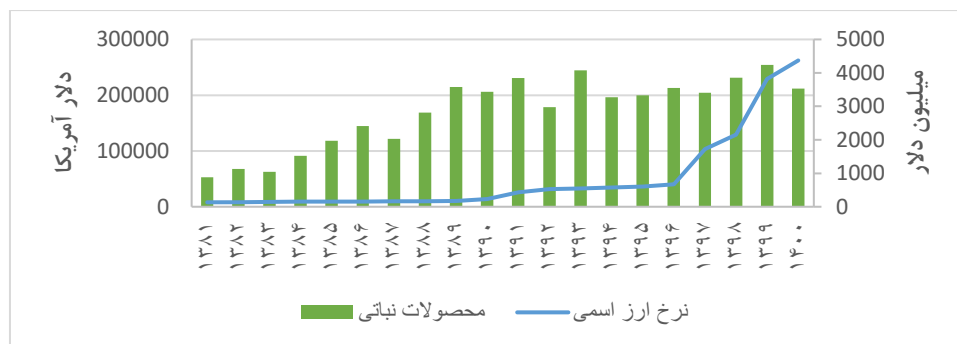
#### ۳-۱-۲. گروه محصولات نباتی

صادرات در گروه محصولات نباتی عمدتاً با روند صعودی همراه بوده است. به‌طوری‌که متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۵۱.۴۴ درصد بوده است. بالاترین نرخ رشد صادرات این گروه به سال ۱۳۸۰ و رشد ۸۸۳ درصدی و پائین‌ترین نرخ به کاهش حدوداً ۲۳ درصدی در سال ۱۳۹۲ مربوط است. محصولات این گروه ۱۷.۴۵ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۱۳.۶۰ درصد از برنامه چهارم، ۹.۹۶ درصد از برنامه پنجم و ۹.۷۸ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط صادرات



در این گروه طی برنامه سوم ۷۷۷.۹ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۲۳۸۶.۴ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۳۴۸۸ میلیون دلار و در برنامه ششم ۳۷۱۴.۵ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۶. صادرات گروه محصولات نباتی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

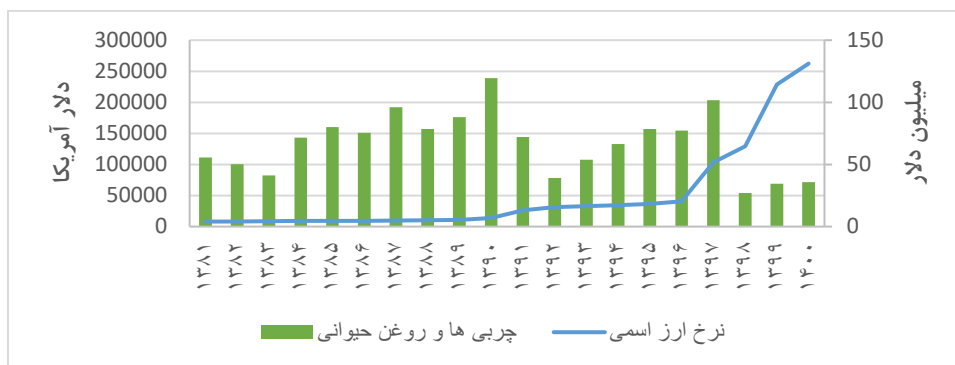


منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۳-۱-۳. گروه چربی‌ها و روغن حیوانی

متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۱۱.۴ درصد بوده است. بالاترین نرخ رشد مربوط به این گروه در سال ۱۳۸۰ و با نرخ ۱۲۸ درصدی و پایین‌ترین نرخ در سال ۱۳۹۸ و با نرخ ۷۳- درصدی صورت گرفته است. سهم گروه چربی‌ها و روغن حیوانی از کل صادرات در طول برنامه‌های توسعه به تدریج کاهش یافته است. این گروه ۰.۸۴ درصد در کل صادرات برنامه سوم، ۰.۴۶ درصد در برنامه چهارم، ۰.۲۰ درصد در برنامه پنجم و ۰.۱۴ درصد در کل صادرات برنامه ششم سهم داشته است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۴۲.۶ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۸۱.۵ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۷۱.۵ میلیون دلار و در برنامه ششم ۵۵.۲ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۷. صادرات گروه چربی‌ها و روغن حیوانی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

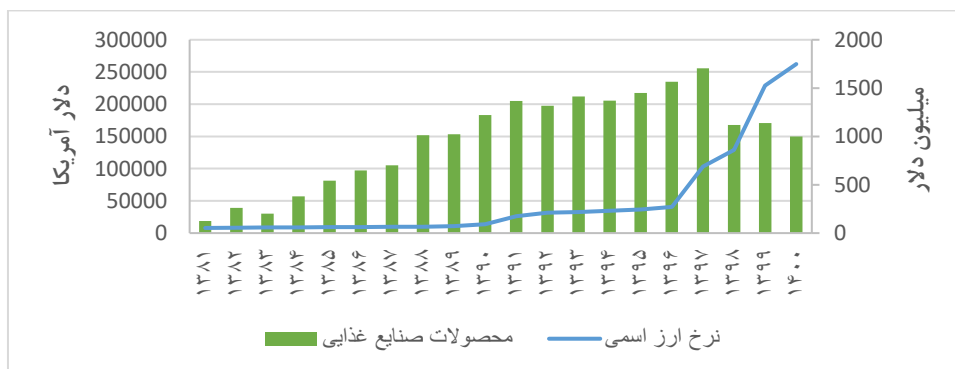


منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۳-۱-۴. گروه محصولات صنایع غذایی

صادرات در گروه محصولات صنایع غذایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به طور متوسط ۱۲.۶۷ درصد رشد کرده است. بالاترین رشد به سال ۱۳۸۲ و نرخ ۱۰۷ درصدی و کمترین رشد صادرات به نرخ ۳۴- درصدی در سال ۱۳۹۸ مرتبط است. گروه محصولات صنایع غذایی ۳.۶۲ درصد در کل صادرات برنامه سوم، ۴.۰۹ درصد در برنامه چهارم، ۳.۸۷ درصد در برنامه پنجم و ۳.۴۳ درصد در کل صادرات برنامه ششم سهم داشته است.

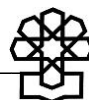
### نمودار ۸. صادرات گروه محصولات صنایع غذایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

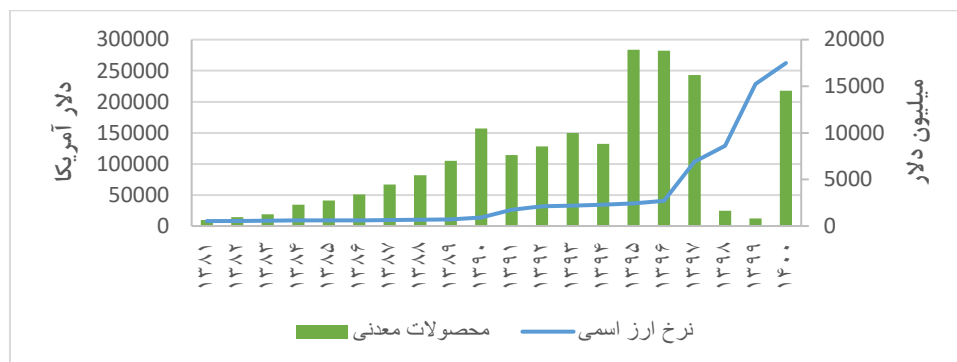
### ۳-۱-۵. گروه محصولات معدنی

به‌طور کلی صادرات در گروه محصولات معدنی از رشد بالایی برخوردار بوده و طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به‌طور متوسط صادرات این گروه ۹۶ درصد رشد کرده است. این گروه با ۱۶.۶۳ درصد سهم در برنامه سوم، ۲۴.۰۲ درصد از برنامه چهارم، ۳۰.۶۳ درصد از برنامه پنجم و ۲۷.۳۸ درصد از کل صادرات در برنامه ششم سهم بالایی از کل صادرات کشور را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، مشاهده می‌شود که روند صعودی در سهم صادراتی این گروه از کل صادرات که از برنامه سوم تا پنجم ادامه داشته در برنامه ششم اندکی دچار



تنزل شده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۸۳۹.۳ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۴۲۱۴.۶ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۰۷۲۰.۸ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۰۳۹۴.۰۶ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۹. صادرات گروه محصولات معدنی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

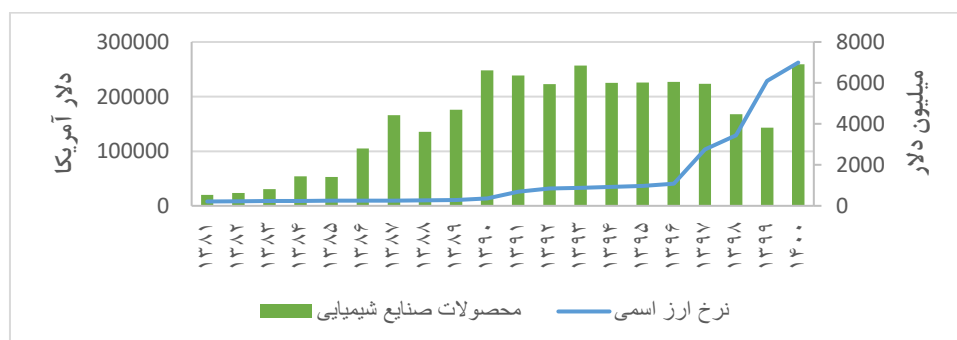


منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۳-۱-۶. گروه محصولات صنایع شیمیایی

صادرات در گروه محصولات صنایع شیمیایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به‌طور متوسط ۱۹.۵ درصد رشد کرده است. بالاترین نرخ رشد به نرخ ۹۹.۵ درصدی سال ۱۳۸۶ و پائین‌ترین آن به نرخ ۲۵- درصدی در سال ۱۳۹۸ مربوط است. گروه محصولات صنایع شیمیایی ۱۰.۹۷ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۱۷.۴۵ درصد از برنامه چهارم، ۱۸ درصد از برنامه پنجم و ۱۴.۳۴ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۵۵۳.۸ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۳۰۶۳.۰۴ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۶۳۰۰.۶ میلیون دلار و در برنامه ششم ۵۴۴۴.۷ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۱۰. صادرات گروه محصولات صنایع شیمیایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

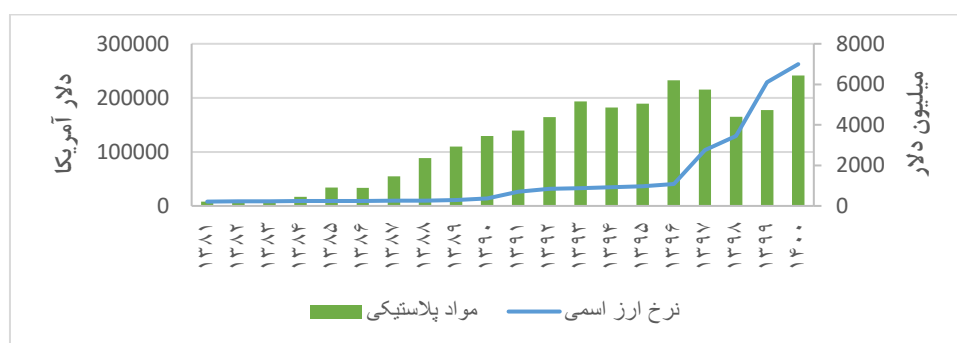


منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۳-۱-۷. گروه مواد پلاستیکی

روند صادرات در گروه مواد پلاستیکی عمدتاً صعودی بوده است. متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۲۲.۷ درصد بوده است. سهم گروه مواد پلاستیکی از کل صادرات در طول برنامه‌های توسعه به تدریج افزایش یافته است. این گروه ۳.۹۱ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۸.۵۴ درصد از برنامه چهارم، ۱۲.۶۸ درصد از برنامه پنجم و ۱۴.۴۸ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۱۹۷.۴ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۴۹۹ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۴۴۳۷ میلیون دلار و در برنامه ششم ۵۴۹۷.۹ میلیون دلار بوده است.

نمودار ۱۱. صادرات گروه مواد پلاستیکی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



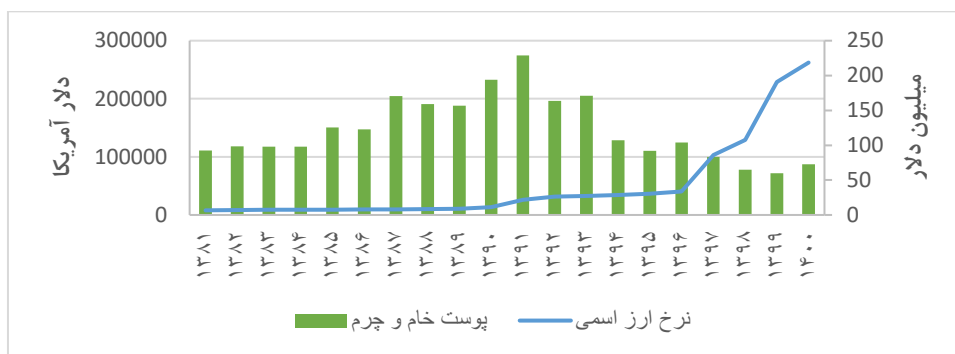
منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۳-۱-۸. گروه پوست خام و چرم

صادرات در گروه پوست خام و چرم در دهه ۱۳۸۰ عمدتاً از روند صعودی برخوردار بوده است. با این حال، روند صادرات این گروه کالایی در طی دهه ۱۳۹۰ عمدتاً نزولی و با رشد منفی همراه شده است. به طوری که متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ تنها ۱.۲۳ درصد بوده است. به طور کلی، سهم صادراتی محصولات گروه پوست خام و چرم از کل صادرات در طول برنامه‌های توسعه به تدریج کاهش یافته است. این گروه ۱.۸۲ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۰.۷۹ درصد از برنامه چهارم، ۰.۴۵ درصد از برنامه پنجم و ۰.۲۰ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است.



### نمودار ۱۲. صادرات گروه محصولات پوست خام و چرم (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

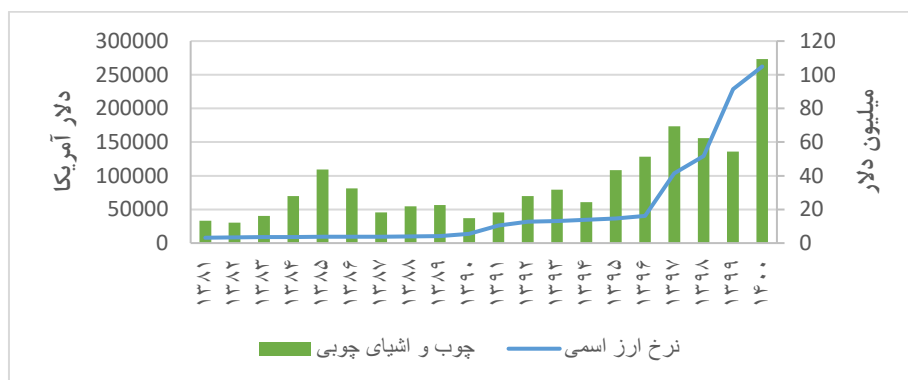


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۱-۹. گروه چوب و اشیای چوبی

گروه چوب و اشیای چوبی ۰.۲۲ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۰.۱۵ درصد از برنامه چهارم، ۰.۰۷ درصد از برنامه پنجم و ۰.۱۸ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۱۱.۵ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۲۷.۷ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۲۶.۷ میلیون دلار و در برنامه ششم ۶۹.۳ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۱۳. صادرات گروه محصولات چوب و اشیای چوبی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

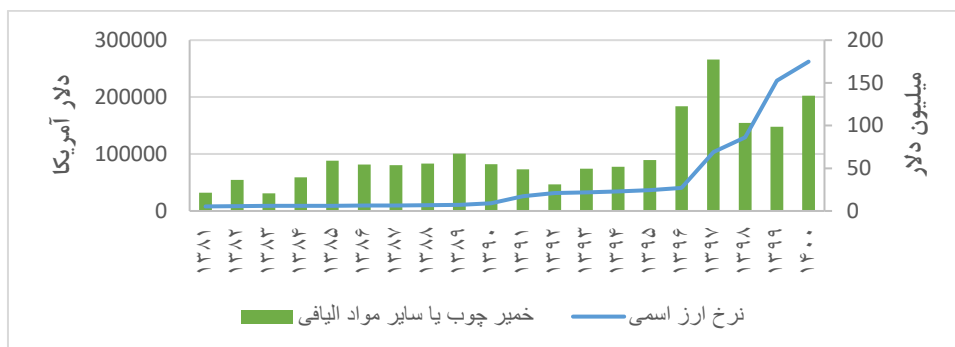


منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۳-۱-۱۰. گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی

متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۲۳.۱ درصد بوده است. گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی ۰.۳۸ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۰.۳۱ درصد از برنامه چهارم، ۰.۱۴ درصد از برنامه پنجم و ۰.۳۳ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۱۹.۲ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۵۴.۸ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۴۹.۲ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۲۷.۲ میلیون دلار بوده است.

نمودار ۱۴. صادرات گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

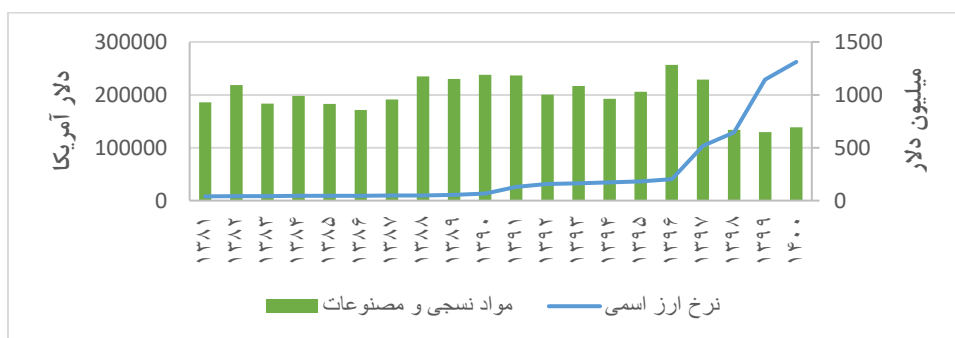


منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۳-۱-۱۱. گروه مواد نسجی و مصنوعات

صادرات در گروه مواد نسجی و مصنوعات طی بازه زمانی مورد مطالعه به تدریج کاهش یافته است. به طوری که متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۰.۱۲- درصد بوده است. گروه مواد نسجی ۱۸.۷۳ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۵.۷۳ درصد از برنامه چهارم، ۳.۰۷ درصد از برنامه پنجم و ۲.۳۳ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. آمار فوق به وضوح کاهش چشم‌گیر سهم گروه مواد نسجی و مصنوعات از کل صادرات را در طول برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۹۴۵.۱ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۰۰۶.۸ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۰۷۵.۳ میلیون دلار و در برنامه ششم ۸۸۷.۱ میلیون دلار بوده است.

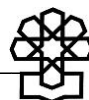
نمودار ۱۵. صادرات گروه مواد نسجی و مصنوعات (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

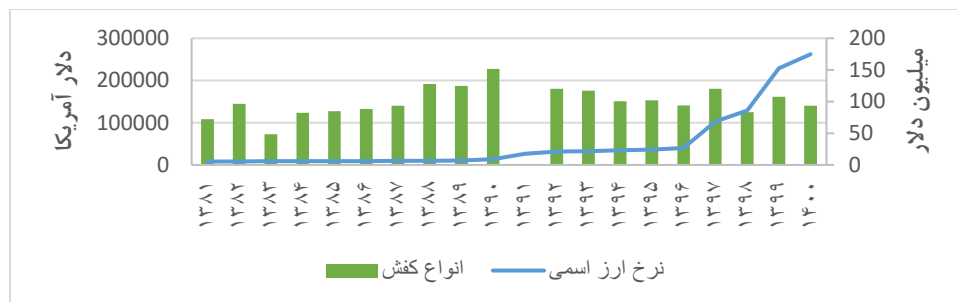
### ۳-۱-۱۲. گروه انواع کفش

گروه انواع کفش ۱.۵۰ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۰.۵۷ درصد از برنامه چهارم، ۰.۲۸ درصد از برنامه پنجم و ۰.۲۶ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. آمار فوق حکایت از کاهش



سهم گروه کفش از کل صادرات در طول برنامه‌های توسعه دارد. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۷۶.۱ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۰۰.۲ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۹۸.۶ میلیون دلار و در برنامه ششم ۹۹.۷ میلیون دلار بوده است.

نمودار ۱۶. صادرات گروه انواع کفش (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

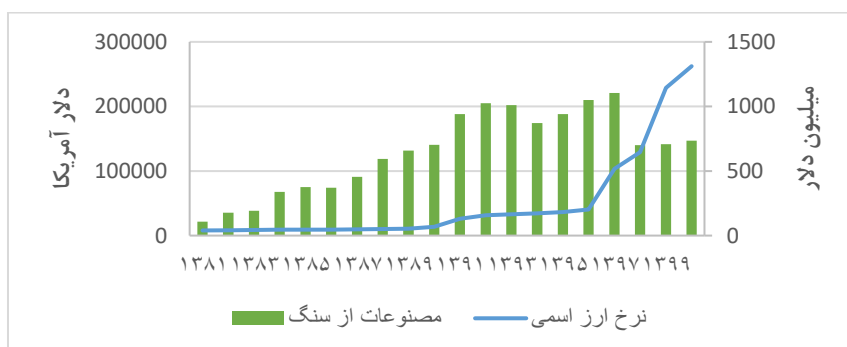


منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۳-۱-۱۳. گروه مصنوعات از سنگ

صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به طور متوسط ۱۳.۹ درصد رشد کرده است. سهم گروه مصنوعات سنگ از کل صادرات در طول برنامه‌های توسعه با ثبات بوده است. این گروه ۲.۶۲ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۲.۶۵ درصد از برنامه چهارم، ۲.۶۱ درصد از برنامه پنجم و ۲.۲۶ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۱۳۲.۶ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۴۶۵.۳ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۹۱۵.۴ میلیون دلار و در برنامه ششم ۸۵۹.۲ میلیون دلار بوده است.

نمودار ۱۷. صادرات گروه مصنوعات از سنگ (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

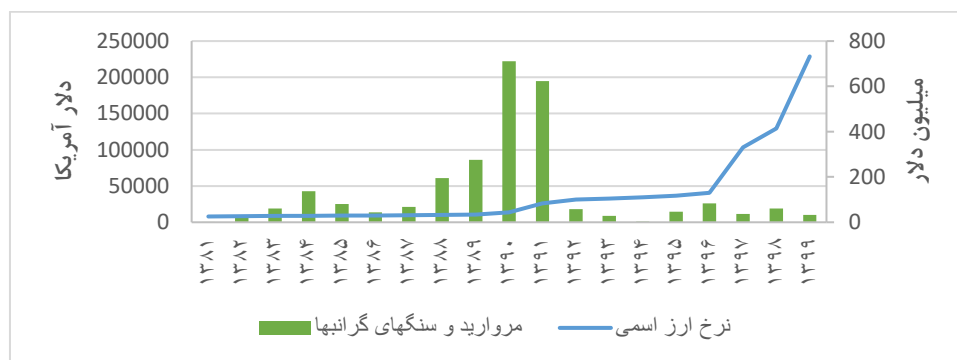


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۱-۱۴. گروه مروارید و سنگ‌های گرانبها

گروه مروارید و سنگ‌های گرانبها ۰.۳۷ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۰.۷۵ درصد از برنامه چهارم، ۰.۶۹ درصد از برنامه پنجم و ۰.۱۸ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۱۸.۸ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۳۳.۳ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۲۴۴.۸ میلیون دلار و در برنامه ششم ۶۹.۹ میلیون دلار بوده است.

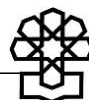
نمودار ۱۸. صادرات گروه محصولات صنایع غذایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



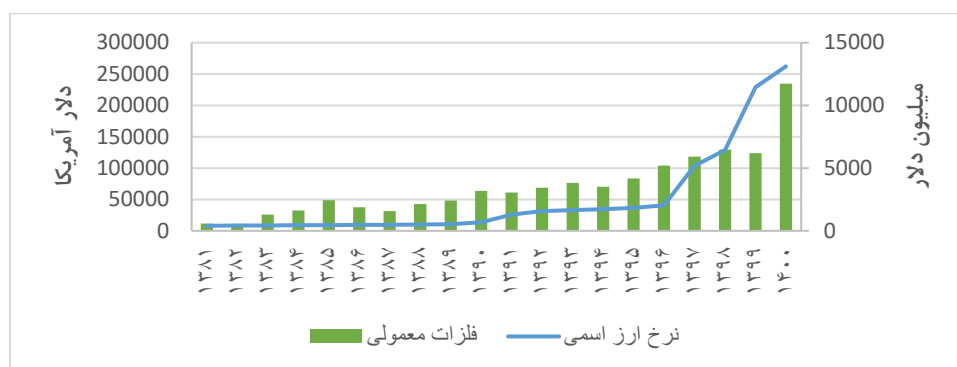
های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۱-۱۵. گروه فلزات معمولی

متوسط نرخ رشد صادرات در گروه فلزات معمولی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۲۰.۹ درصد بوده است. این گروه ۱۲.۹۹ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۱۱.۴۷ درصد از برنامه چهارم، ۱۰ درصد از برنامه پنجم و ۱۸.۷۱ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که سهم این گروه پس از طی روند نزولی در برنامه‌های سوم تا پنجم، در برنامه ششم افزایش یافته است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۶۵۵.۹ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۲۰۱۳.۶ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۳۵۳۳.۴ میلیون دلار و در برنامه ششم ۷۱۰۳.۲ میلیون دلار بوده است.



### نمودار ۱۹. صادرات گروه فلزات معمولی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

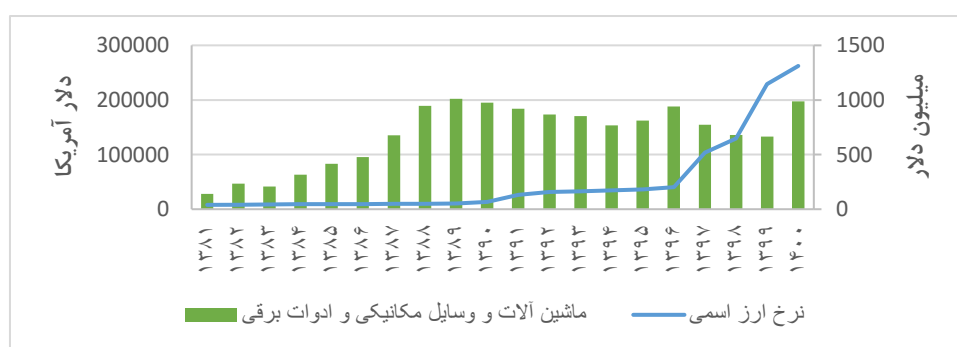


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۱-۱۶. گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی و ادوات برقی

روند صادرات در گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی در دهه ۱۳۸۰ صعودی و در دهه ۱۳۹۰ عمدتاً نزولی بوده است. به طور کلی، متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۱۵.۶ درصد بوده است. گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی و ادوات برقی ۲.۹۸ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۳.۶۴ درصد از برنامه چهارم، ۲.۴۷ درصد از برنامه پنجم و ۲.۱۳ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۱۵۰.۵۱ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۶۴۰ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۸۶۵.۹ میلیون دلار و در برنامه ششم ۸۰۹.۱ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۲۰. صادرات گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



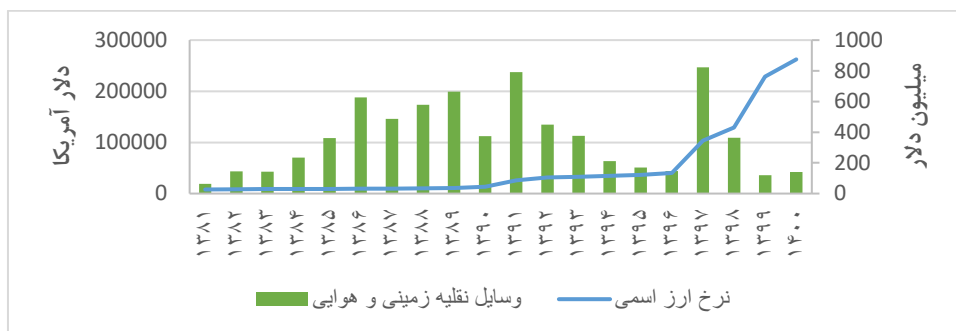
های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۱-۱۷. گروه وسیله نقلیه زمینی و هوایی

صادرات در گروه وسایل نقلیه زمینی و هوایی در طول دهه ۱۳۸۰ عمدتاً صعودی و در دهه ۱۳۹۰ نزولی بوده است. گروه وسایل نقلیه زمینی و هوایی ۲.۰۳ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۲.۸۰ درصد از برنامه چهارم، ۱.۱۲ درصد از برنامه پنجم و ۰.۸۳ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۱۰۲.۵ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۴۹۲.۱ میلیون دلار،

در برنامه پنجم ۳۹۵.۲ میلیون دلار و در برنامه ششم ۳۱۸.۵ میلیون دلار بوده است. متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۲۸.۶ درصد بوده است.

### نمودار ۲۱. صادرات گروه وسایل نقلیه زمینی و هوایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

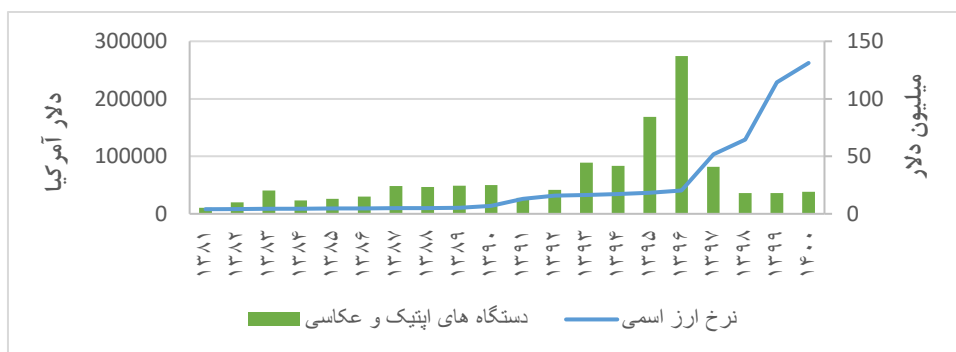


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۱-۱۸. گروه دستگاه‌های اپتیک و عکاسی

صادرات در گروه دستگاه‌های اپتیک و عکاسی تا سال ۱۳۹۶ عمدتاً از روند صعودی برخوردار بوده و پس از آن تنزل یافته است. این گروه ۰.۱۶ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۰.۱۰ درصد از برنامه چهارم، ۰.۱۱ درصد از برنامه پنجم و ۰.۱۲ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۸.۳۵ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۸.۶ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۳۸.۳ میلیون دلار و در برنامه ششم ۴۶.۶ میلیون دلار بوده است.

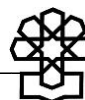
### نمودار ۲۲. صادرات گروه دستگاه‌های اپتیک و عکاسی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

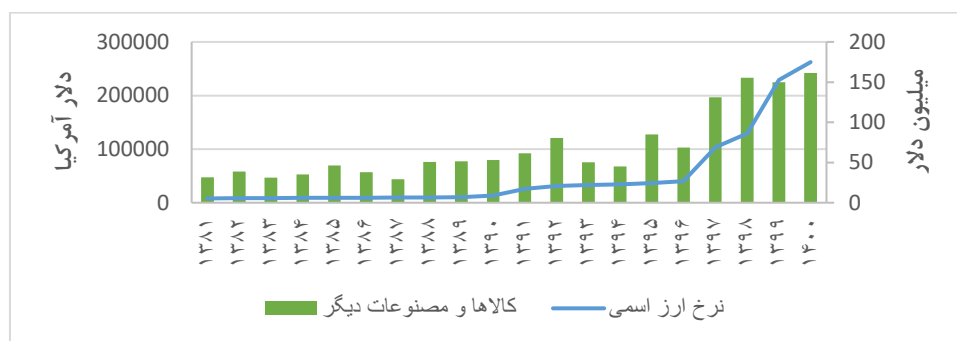
### ۳-۱-۱۹. گروه کالاها و مصنوعات دیگر

گروه کالاها و مصنوعات دیگر ۰.۶۶ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۰.۲۳ درصد از برنامه چهارم، ۰.۱۷



درصد از برنامه پنجم و ۰.۳۵ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۳۳.۴ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۴۱.۸ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۶۲.۶ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۳۳.۳ میلیون دلار بوده است. متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۱۲.۷ درصد بوده است.

### نمودار ۲۳. صادرات گروه کالاها و مصنوعات دیگر (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

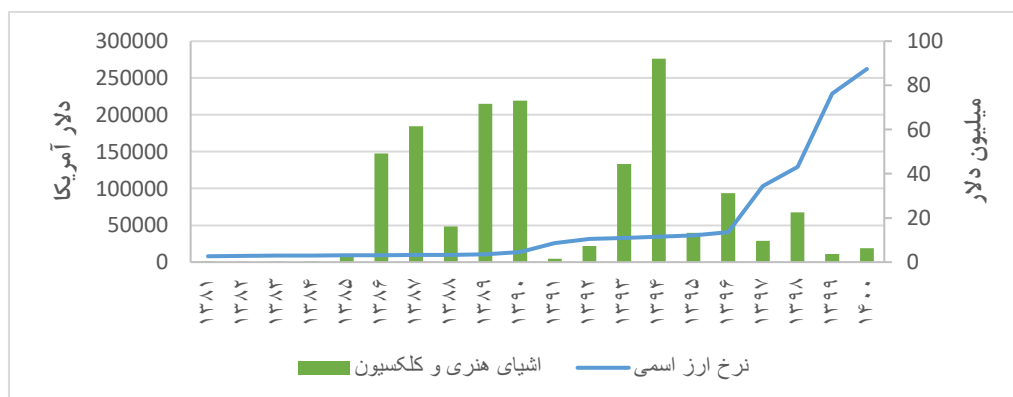


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۱-۲۰. گروه اشیای هنری و کلکسیون

گروه اشیای هنری و کلکسیون ۰.۰۰۵ درصد از کل صادرات در برنامه سوم، ۰.۱۹ درصد از برنامه چهارم، ۰.۱۱ درصد از برنامه پنجم و ۰.۳۸ درصد از کل صادرات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط صادرات در این گروه طی برنامه سوم ۰.۲۸ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۳۳.۶ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۳۸.۶۴ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۴.۶۷ میلیون دلار بوده است. متوسط نرخ رشد صادرات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۱.۷۵ درصد بوده است.

### نمودار ۲۴. صادرات گروه اشیای هنری و کلکسیون (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



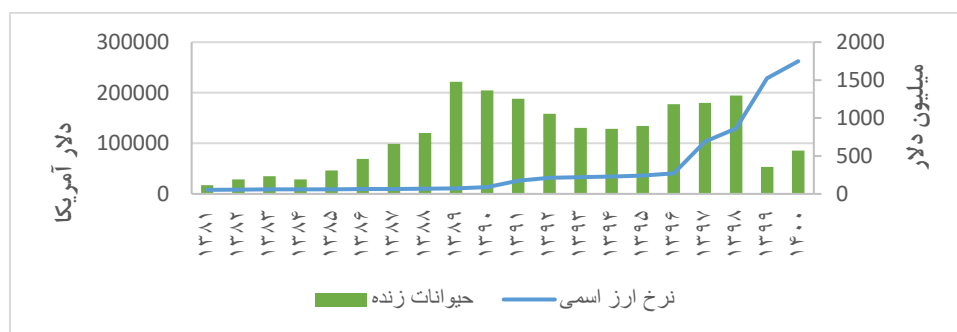
های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۲-۳. واردات گروه‌های کالایی بر مبنای کد تعرفه گمرکی

#### ۱-۲-۳. گروه حیوانات زنده

بالاترین نرخ رشد واردات این گروه کالایی در سال ۱۳۸۹ و با رشد ۸۴ درصدی به ثبت رسیده است. در طول دهه ۱۳۸۰ واردات گروه حیوانات زنده عمدتاً با نرخ‌های رشد مثبت همراه بوده است. از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ طی یک بازه زمانی ۵ ساله نرخ رشد این متغیر منفی بوده اما طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ واردات این گروه کالایی عمدتاً نرخ‌های رشد مثبت را تجربه کرده است. به‌طور کلی، محصولات این گروه ۰.۶۵ از کل واردات در برنامه سوم، ۱.۳۱ درصد از برنامه چهارم، ۲.۱۵ درصد از برنامه پنجم و ۲ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، در طول برنامه‌های مختلف توسعه اقتصادی، سهم این گروه از کل واردات تقریباً ثابت بوده است. به‌طور متوسط در این گروه طی برنامه سوم ۱۵۲.۵۳ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۶۴۹.۷ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۰۴۹.۷ میلیون دلار و در برنامه ششم ۹۲۱.۲ میلیون دلار واردات صورت است.

#### نمودار ۲۵. واردات گروه حیوانات زنده (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

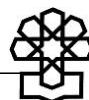


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

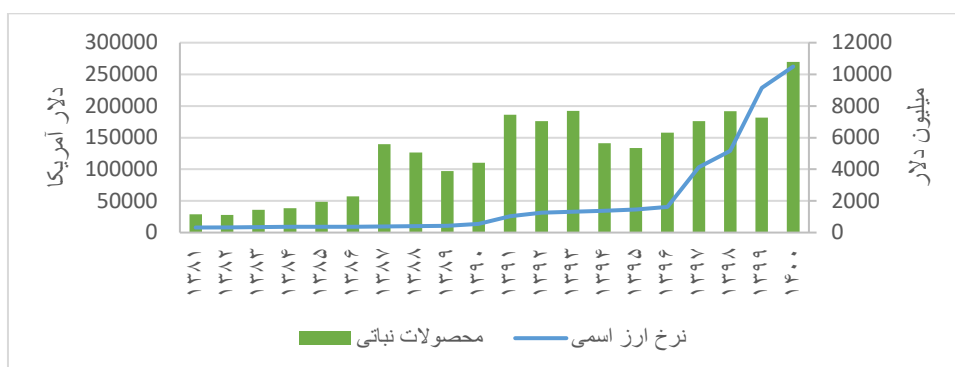
#### ۲-۲-۳. گروه محصولات نباتی

بالاترین نرخ واردات گروه محصولات نباتی در سال ۱۳۸۷ و با نرخ ۱۴۳ درصدی و پائین‌ترین میزان واردات در سال ۱۳۸۱ و با نرخ ۳۱- درصدی صورت گرفته است. واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به طور متوسط ۱۳.۹ رشد کرده است. گروه محصولات نباتی ۶.۱۲ از کل واردات در برنامه سوم، ۶.۸۶ درصد از برنامه چهارم، ۱۲.۸۷ درصد از برنامه پنجم و ۱۷ درصد از کل واردات در برنامه پنجم را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، سهم این گروه در طول برنامه‌های توسعه به تدریج افزایش یافته است. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۱۴۱۵.۵ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۳۳۷۸.۵ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۶۲۶۲.۶ میلیون دلار و در برنامه ششم ۷۸۱۱ میلیون دلار بوده است.





### نمودار ۲۶. واردات گروه محصولات نباتی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

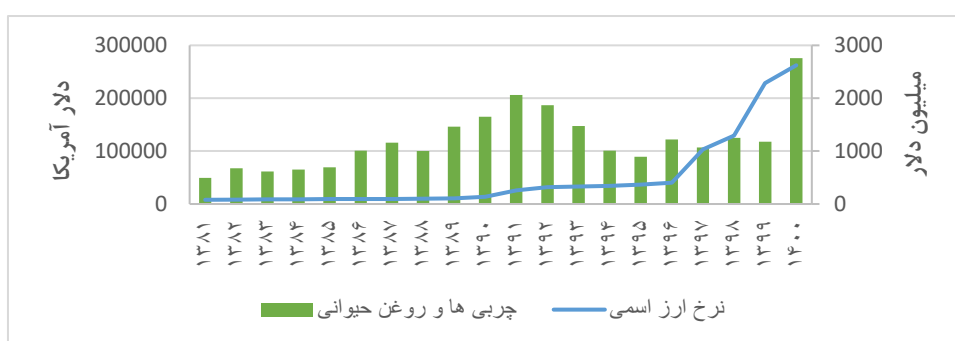


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۳. گروه چربی‌ها و روغن حیوانی

در زمینه واردات، بالاترین نرخ رشد واردات در گروه چربی‌ها و روغن حیوانی در سال ۱۴۰۰ و با نرخی ۱۳۴ درصدی و پائین‌ترین آن در سال ۱۳۹۳ و با نرخ ۲۰- درصدی صورت گرفته است. سهم این گروه از کل واردات در طول برنامه‌های توسعه تقریباً ثابت بوده است. به طوری که محصولات این گروه ۲.۲۶٪ از کل واردات در برنامه سوم، ۲.۰۲٪ درصد از برنامه چهارم، ۳.۰۶٪ درصد از برنامه پنجم و ۳.۲۶٪ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۵۲۲.۸ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۹۹۵.۸ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۴۹۲.۲ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۴۹۶ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۲۷. واردات گروه چربی‌ها و روغن حیوانی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



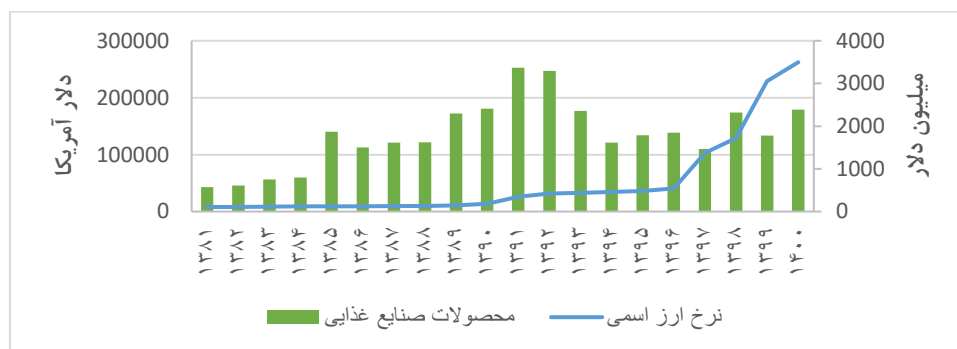
های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۴. گروه محصولات صنایع غذایی

واردات گروه محصولات صنایع غذایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به طور متوسط ۱۳.۳ درصد رشد کرده است. بیشترین میزان واردات این گروه در سال ۱۳۸۵ و با نرخ ۱۳۵ درصدی و کمترین آن در سال ۱۳۹۴ و با نرخ ۳۱- درصدی صورت گرفته است. گروه محصولات صنایع غذایی ۲.۴۳٪ درصد از کل واردات در برنامه

سوم، ۳.۲۸ درصد از برنامه چهارم، ۵.۰۷ درصد از برنامه پنجم و ۴.۲۷ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۵۶۳ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۶۱۵.۵ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۲۴۷۱ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۹۵۸ میلیون دلار بوده است.

نمودار ۲۸. واردات گروه محصولات صنایع غذایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

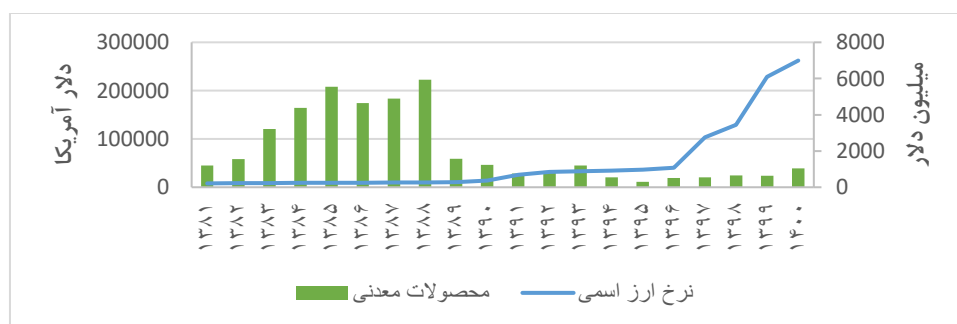


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

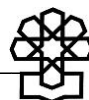
### ۳-۲-۵. گروه محصولات معدنی

بالاترین نرخ رشد واردات در گروه محصولات معدنی مربوط به سال ۱۳۸۳ و نرخ رشد ۱۰۷ درصدی مربوط است. پائین‌ترین نرخ واردات در این گروه نیز به سال ۱۳۸۹ و نرخ -۷۳.۵- مربوط است. سهم گروه محصولات معدنی از کل واردات در برنامه سوم ۶.۱۷ درصد، در برنامه چهارم ۹.۱۲ درصد، در برنامه پنجم ۱.۶۹ درصد و در برنامه ششم ۱.۴۸ درصد بوده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که سهم این گروه کالایی از کل واردات طی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه به‌طور محسوس کاهش یافته است. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۱۴۲۸ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۴۴۹۳ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۸۲۶.۷ میلیون دلار و در برنامه ششم ۶۸۲ میلیون دلار بوده است.

نمودار ۲۹. واردات گروه محصولات معدنی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



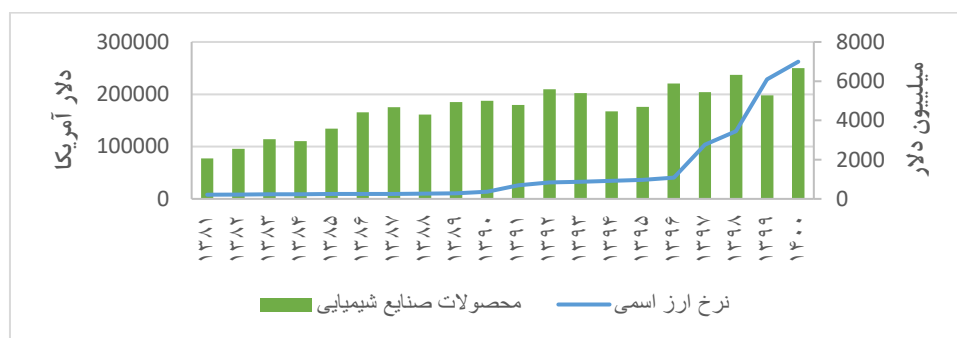
های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده



### ۳-۲-۶. گروه محصولات صنایع شیمیایی

واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به طور متوسط ۷.۴ رشد کرده است. بالاترین نرخ رشد به نرخ ۲۶ درصدی واردات در سال ۱۴۰۰ و پائین‌ترین آن به نرخ ۱۷- درصدی سال ۱۳۹۴ مربوط است. گروه محصولات صنایع شیمیایی ۹.۷۳ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۸.۴۰ درصد از برنامه چهارم، ۱۰.۲۵ درصد از برنامه پنجم و ۱۲.۹۰ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. براین اساس، سهم این گروه از کل واردات در طول برنامه‌های توسعه به تدریج افزایش یافته است. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۲۲۵۰.۵ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۴۱۳۹.۸ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۴۹۸۸ میلیون دلار و در برنامه ششم ۵۹۱۵.۴ میلیون دلار بوده است.

نمودار ۳۰. واردات گروه محصولات صنایع شیمیایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

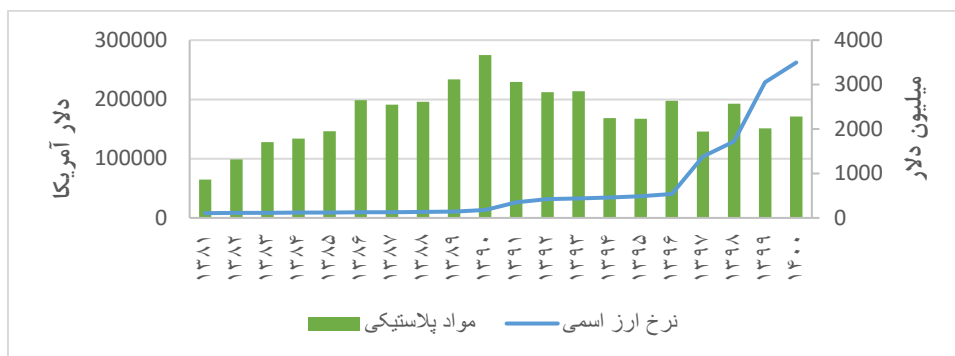


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۷. گروه مواد پلاستیکی

سهم گروه مواد پلاستیکی از کل واردات در طول برنامه‌های توسعه تقریباً ثابت مانده است. به طوری که این گروه ۴.۷۰ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۴.۹۶ درصد از برنامه چهارم، ۵.۷۸ درصد از برنامه پنجم و ۴.۹۹ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۱۰۸۷ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۲۴۴۳.۵ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۲۸۱۳ میلیون دلار و در برنامه ششم ۲۲۸۹ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۳۱. واردات گروه مواد پلاستیکی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

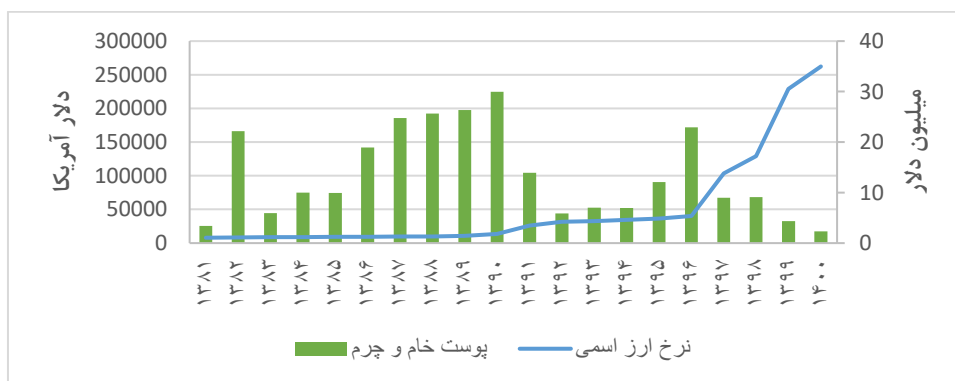


منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۳-۲-۸. گروه پوست خام و چرم

واردات گروه پوست خام و چرم در طول دهه ۱۳۸۰ عمدتاً افزایشی و در دهه ۱۳۹۰ با کاهش همراه بوده است. به‌طور کلی متوسط نرخ رشد واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۴۰.۴ درصد بوده است. محصولات گروه پوست خام و چرم ۰.۰۲۸ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۰.۰۳ درصد از برنامه چهارم، ۰.۰۲ درصد از برنامه پنجم و ۰.۰۲ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۶.۶۹ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۹.۲۵ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۲.۶۳ میلیون دلار و در برنامه ششم ۹.۵۴ میلیون دلار بوده است.

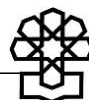
### نمودار ۳۲. واردات گروه پوست خام و چرم (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

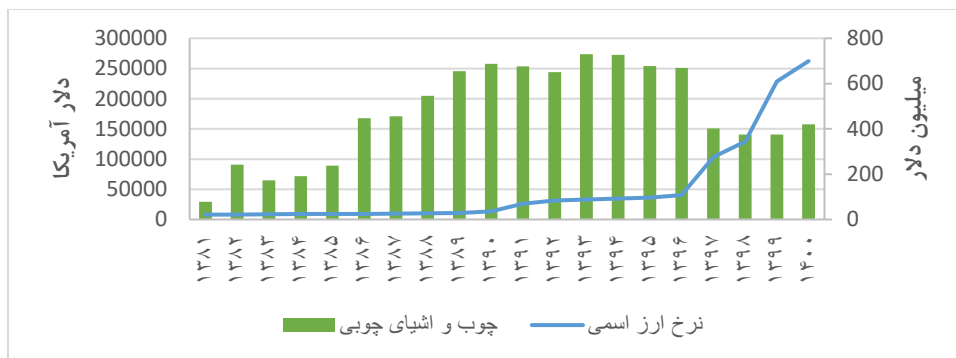
### ۳-۲-۹. گروه چوب و اشیای چوبی

محصولات گروه چوب و اشیای چوبی ۰.۵۱ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۰.۸۵ درصد از برنامه چهارم، ۱.۴۲ درصد از برنامه پنجم و ۰.۹۷ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط



واردات در این گروه طی برنامه سوم ۱۱۹.۴ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۴۲۱.۸ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۶۹۱.۱ میلیون دلار و در برنامه ششم ۴۴۸.۱ میلیون دلار بوده است. متوسط نرخ رشد واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۱۷.۷ درصد بوده است.

### نمودار ۳۳. صادرات گروه چوب و اشیای چوبی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

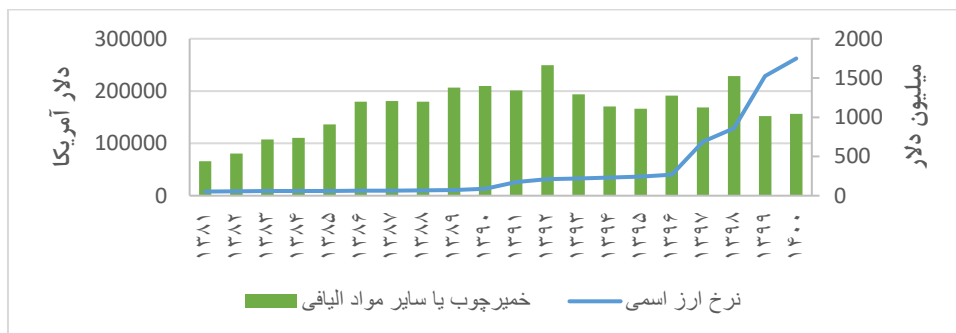


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۱۰. گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی

متوسط نرخ رشد واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۵ درصد بوده است. سهم گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی از کل واردات در طول برنامه‌های توسعه تقریباً ثابت بوده است. این گروه ۲.۲۸ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۲.۲۴ درصد از برنامه چهارم، ۲.۷۲ درصد از برنامه پنجم و ۲.۶۱ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۵۲۷.۶ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۱۰۴.۵ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۳۲۳.۷ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۱۹۶.۹ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۳۴. واردات گروه خمیر چوب یا سایر مواد الیافی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

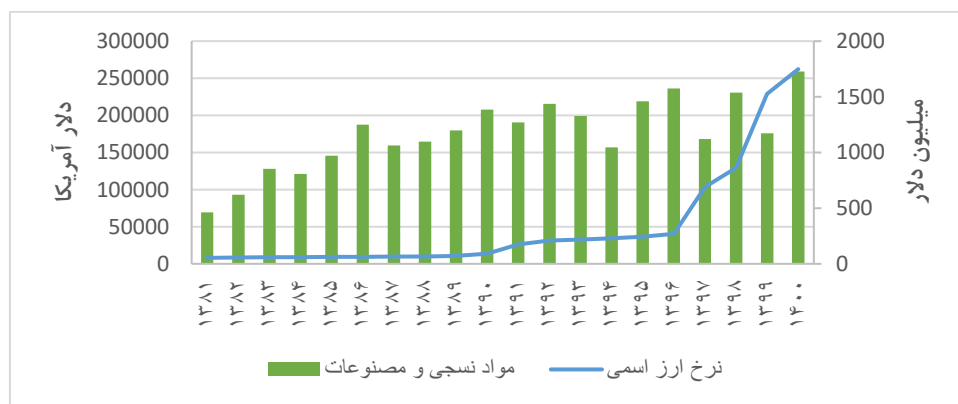


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۱۱. گروه مواد نسجی و مصنوعات

واردات در گروه مواد نسجی و مصنوعات به طور متوسط با نرخ ۸.۲ درصدی رشد کرده است. محصولات گروه مواد نسجی و مصنوعات ۲.۵۵ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۲.۱۶ درصد از برنامه چهارم، ۲.۷۱ درصد از برنامه پنجم و ۳.۱۱ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۵۹۰.۱ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۰۶۴.۴ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۳۲۰.۷ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۴۲۶.۳ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۳۵. واردات گروه مواد نسجی و مصنوعات (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



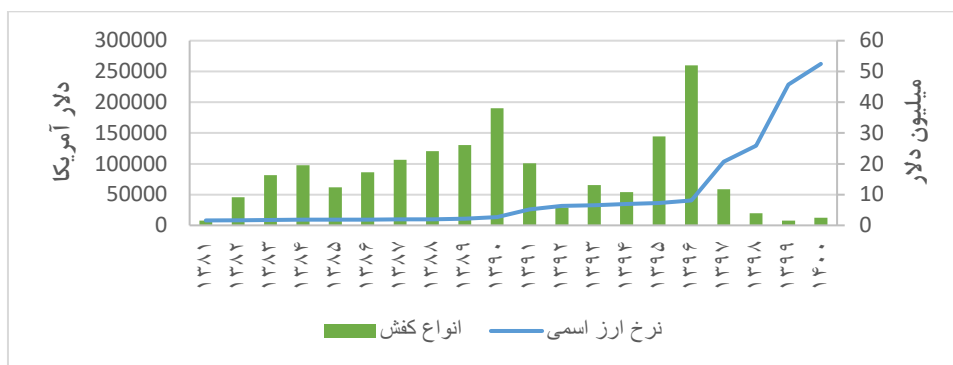
های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۱۲. گروه انواع کفش

گروه کفش ۰.۰۲۴ درصد در کل واردات برنامه سوم، ۰.۰۴ درصد در برنامه چهارم، ۰.۰۳ درصد در برنامه پنجم و ۰.۰۳ درصد در کل واردات برنامه ششم سهم داشته‌اند. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۵.۶۷ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۲۰.۱۰ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۹.۴۳ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۴.۳۱ میلیون دلار بوده است. متوسط نرخ رشد واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۵۱.۷ درصد بوده است.



### نمودار ۳۶. واردات گروه انواع کفش (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

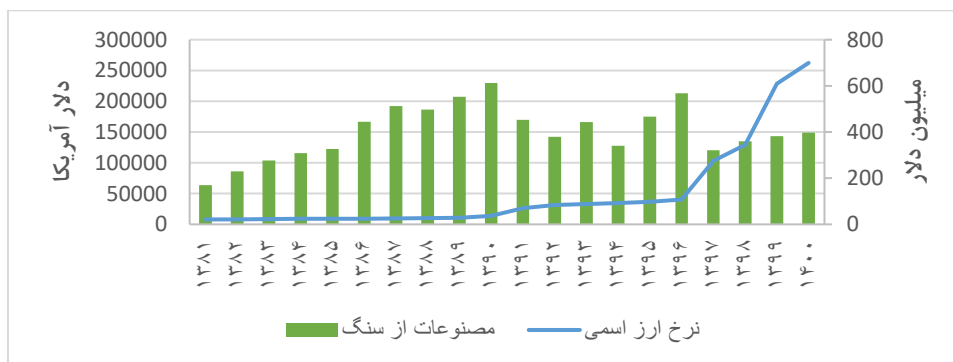


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۱۳-۲-۳. گروه مصنوعات از سنگ

متوسط نرخ رشد واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۸.۳ درصد بوده است. گروه مصنوعات سنگ ۰.۸۰ درصد در کل واردات برنامه سوم، ۰.۸۹ درصد در برنامه چهارم، ۰.۹۲ درصد در برنامه پنجم و ۰.۸۸ درصد در کل واردات برنامه ششم داشته است. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۱۸۷.۲ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۴۴۰.۳ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۴۴۹.۲ میلیون دلار و در برنامه ششم ۴۰۵.۴ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۳۷. واردات گروه مصنوعات از سنگ (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



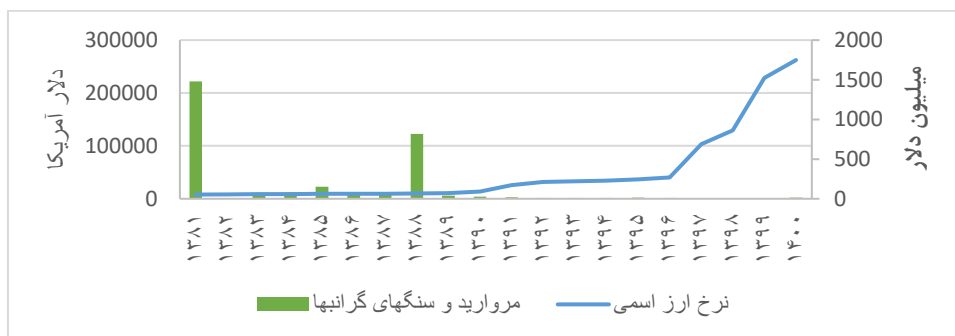
منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

### ۱۴-۲-۳. گروه مروارید و سنگ‌های گرانبها

متوسط نرخ رشد واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۲۰.۶ درصد بوده است. سهم گروه مروارید و سنگ‌های گرانبها از کل واردات در طول برنامه‌های سوم تا ششم توسعه به تدریج کاهش یافته است. این گروه ۱.۳۳ درصد در کل واردات برنامه سوم، ۰.۴۰ درصد در برنامه چهارم، ۰.۰۳ درصد در برنامه پنجم و ۰.۱۵ درصد در کل واردات برنامه ششم داشته است. متوسط واردات در این گروه طی

برنامه سوم ۳۰۸.۸ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۹۸.۶ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۴.۹۵ میلیون دلار و در برنامه ششم ۷.۲۳ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۳۸. واردات گروه مروارید و سنگ‌های گرانبها (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

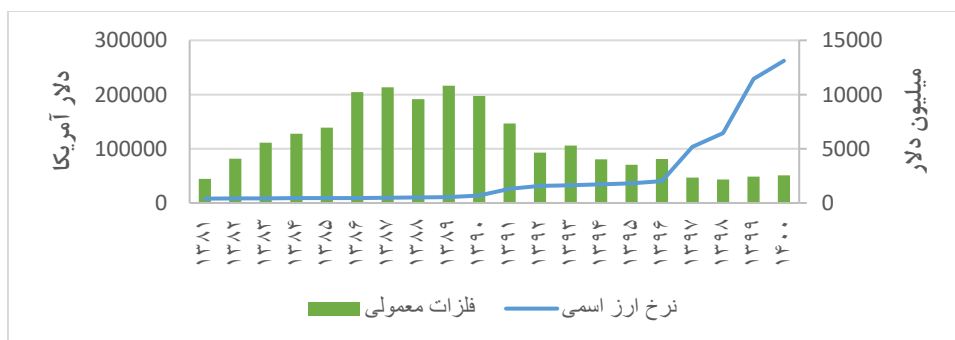


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۱۵. گروه فلزات معمولی

واردات در گروه فلزات معمولی تا سال ۱۳۸۰ از روند صعودی برخوردار بوده است. با این حال در دهه ۱۳۹۰ واردات این گروه کالایی به طور محسوس کاهش یافته است. به طور کلی، متوسط نرخ رشد واردات در این گروه طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۴.۱ درصد بوده است. گروه فلزات معمولی ۱۴.۲۱ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۱۸.۴۸ درصد از برنامه چهارم، ۱۱.۸۸ درصد از برنامه پنجم و ۵.۹۱ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که سهم این گروه پس از افزایش در برنامه چهارم نسبت به برنامه سوم، در طول برنامه‌های پنجم و ششم کاهش یافته است. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۳۲۸۷.۸ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۹۱۰۱.۱ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۵۷۸۱.۶ میلیون دلار و در برنامه ششم ۲۷۱۰.۲ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۳۹. واردات گروه فلزات معمولی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

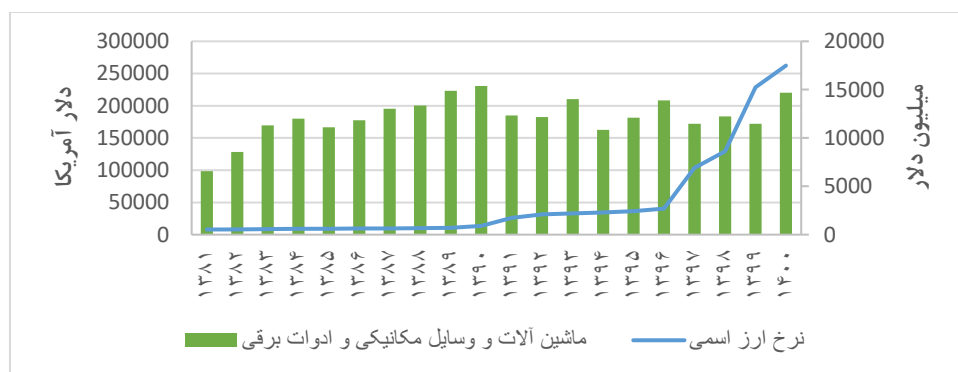




### ۳-۲-۱۶. گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی و ادوات برقی

متوسط نرخ رشد واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۷.۵ درصد بوده است. گروه ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی سهم بالای خود از واردات کل را در طول برنامه‌های توسعه حفظ کرده است. محصولات این گروه ۳۱.۳۸ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۲۵.۷۸ درصد از برنامه چهارم ۲۶.۳۱ درصد از برنامه پنجم و ۲۷.۷۸ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۷۲۵۷.۵ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۲۶۹۳.۸ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۲۸۰۶.۶ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۲۷۴۱ میلیون دلار بوده است.

نمودار ۴۰. واردات گروه ماشین آلات و وسایل مکانیکی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

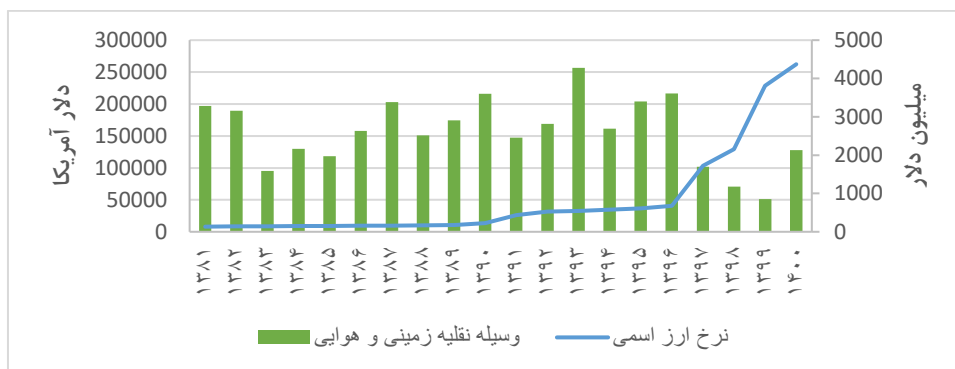


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۱۷. گروه وسایل نقلیه زمینی و هوایی

گروه وسیله نقلیه زمینی و هوایی ۹.۵۷ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۵.۲۷ درصد از برنامه چهارم، ۶.۵۹ درصد از برنامه پنجم و ۱۴.۱۲ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده است. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۲۲۱۵ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۲۵۹۶.۶ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۳۲۰۷.۸ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۸۹۳.۲ میلیون دلار بوده است. متوسط نرخ رشد واردات در این گروه کالایی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۱۳ درصد بوده است.

### نمودار ۴۱. واردات گروه وسیله نقلیه زمینی و هوایی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

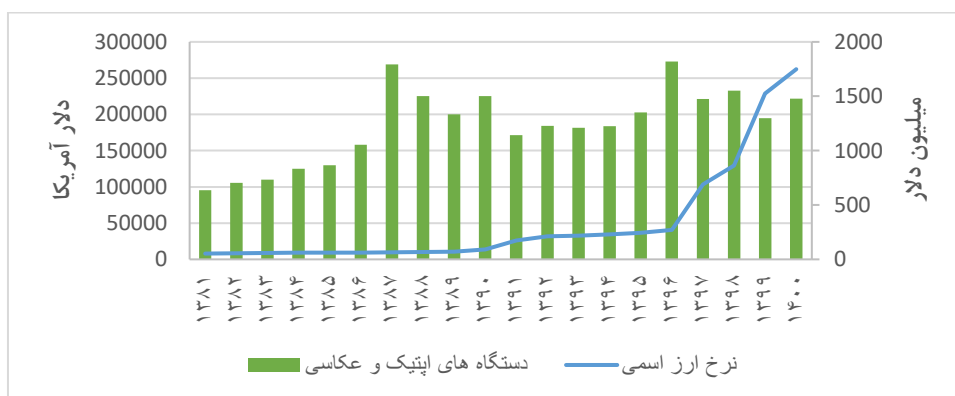


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۱۸. گروه دستگاه‌های اپتیک و عکاسی

سهم گروه دستگاه‌های اپتیک و عکاسی از کل واردات در طول برنامه‌های توسعه تقریباً ثابت بوده است. محصولات این گروه ۲.۵۷ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۲.۴۹ درصد از برنامه چهارم ۲.۶۲ درصد از برنامه پنجم و ۳.۳۲ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۵۹۴.۷ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۱۲۲۹.۹ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۲۷۶.۴ میلیون دلار و در برنامه ششم ۱۵۲۴.۸ میلیون دلار بوده است.

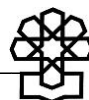
### نمودار ۴۲. واردات گروه دستگاه‌های اپتیک و عکاسی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

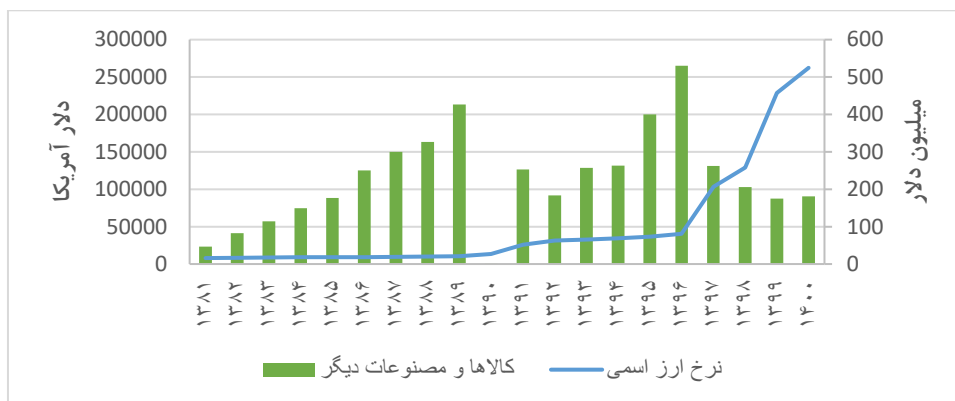
### ۳-۲-۱۹. گروه کالاها و مصنوعات دیگر

گروه کالاها و مصنوعات دیگر ۰.۲۶ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۰.۵۵ درصد از برنامه چهارم، ۰.۴۶ درصد از برنامه پنجم و ۰.۵۹ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط واردات



در این گروه طی برنامه سوم ۶۰.۸۲ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۲۷۱.۴ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۲۲۶ میلیون دلار و در برنامه ششم ۲۷۰.۸۵ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۴۳. واردات گروه کالاها و مصنوعات دیگر (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

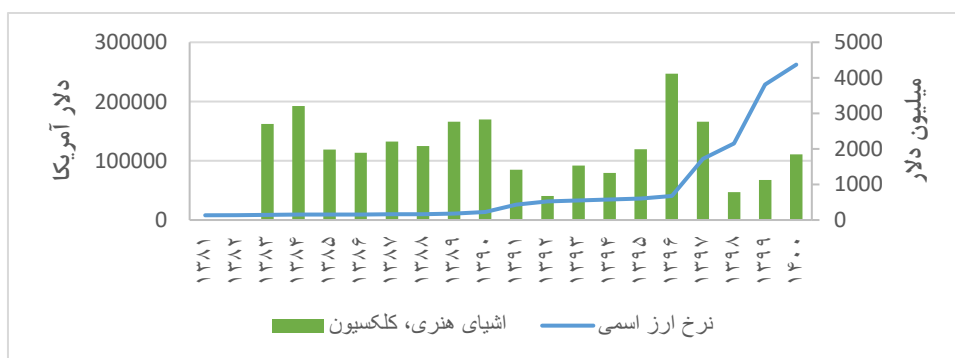


های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۲-۲۰. گروه اشیای هنری و کلکسیون

گروه اشیای هنری و کلکسیون ۲.۳۴ درصد از کل واردات در برنامه سوم، ۴.۷۸ درصد از برنامه چهارم، ۳.۳۴ درصد از برنامه پنجم و ۴.۶۳ درصد از کل واردات در برنامه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. متوسط واردات در این گروه طی برنامه سوم ۶۷۶.۷ میلیون دلار، در برنامه چهارم ۲۳۵۶.۵ میلیون دلار، در برنامه پنجم ۱۶۲۵.۳ میلیون دلار و در برنامه ششم ۲۱۲۷ میلیون دلار بوده است.

### نمودار ۴۴. واردات گروه اشیای هنری و کلکسیون (۱۳۸۱-۱۴۰۰)



های گمرک جمهوری اسلامی ایران. منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای داده

### ۳-۳. تحلیل نتایج

با توجه به تحلیل نتایج ارائه شده در قالب نمودارهای ۵ تا ۴۴ مشاهده می‌شود، که اتخاذ سیاست تثبیت نرخ

ارز با تغییرات جالب توجهی در ترکیب کالاهای صادراتی و وارداتی همراه بوده است.

بر این اساس گروه‌هایی از قبیل: اشیای هنری و کلکسیون، مروارید و سنگ‌های گرانبها، محصولات معدنی و گروه محصولات شیمیایی گروه‌هایی بوده‌اند که در گذر از برنامه سوم به برنامه چهارم با افزایش سهم در کل صادرات روبرو شده و در طول برنامه پنجم نیز سهم خود را حفظ و یا افزایش داده‌اند. نکته جالب توجه در رابطه با گروه‌های مذکور این است که در خلال برنامه ششم و پس از کاهش قدرت مقام پولی برای اعمال مداخلات و سیاست تثبیت نرخ ارز به روال سابق، سهم تمامی این گروه‌ها از صادرات کل کاهش یافته است. بنابراین، مشاهده می‌شود که گروه‌های فوق در جریان اعمال موفقیت آمیز سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی، عملکرد صادراتی بهتری داشته‌اند.

در مقابل گروه‌های دستگاه‌های اپتیک و عکاسی، کالاها و مصنوعات دیگر، فلزات معمولی، چوب و اشیای چوبی و خمیر چوب و سایر مواد الیافی از جمله گروه‌هایی بوده‌اند که در گذر از برنامه سوم به چهارم با کاهش سهم از کل صادرات روبرو شده، در طول برنامه پنجم نیز تغییر قابل توجهی نکرده و مجدداً در برنامه ششم با افزایش سهم صادراتی روبرو شده‌اند. در رابطه با گروه‌های فوق مشاهده می‌شود که عملکرد صادراتی در دوران کم‌رنگ شدن سیاست تثبیت نرخ ارز موفقیت آمیزتر بوده است.

در کنار دو گروه کالای فوق، گروه‌هایی نیز صرف‌نظر از برنامه مورد بررسی در طول چهار برنامه کاهش مستمر یا افزایش مستمر را تجربه کرده‌اند. در گروه مواد پلاستیکی در طول برنامه‌های توسعه سهم صادراتی به تدریج افزایش یافته است. در مقابل، گروه کفش، گروه مواد نسجی، گروه پوست خام و چرم و گروه محصولات نباتی از جمله گروه‌هایی بوده‌اند که در طول چهار برنامه به تدریج با کاهش سهم از صادرات کل مواجه شده‌اند. در این میان کاهش صادرات در گروه مواد نسجی به نسبت بیشتر بوده است. بر این اساس، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد؛ صادرات در این گروه در طول بازه زمانی مورد مطالعه به تدریج کاهش یافته است. به طوری که متوسط نرخ کاهش صادرات این گروه طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ برابر با ۰.۱۲- درصد بوده است. همچنین، این گروه از سهم ۱۸.۷۳ درصدی و بالاترین سهم در بین تمامی گروه‌های تعرفه در برنامه سوم به سهم تنها ۲.۳۳ درصدی از صادرات کل در برنامه ششم تنزل یافته است. در رابطه با چنین گروه‌هایی سیاست‌های ارزی از دو طریق می‌تواند اثرگذار بوده باشد. توضیح آن که اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی در مرحله اول باعث کاهش رقابت‌پذیری محصولات صنایع فعال در این گروه‌های کالایی در مقایسه با رقبای خارجی شده است. در مرحله دوم نیز کاهش قدرت بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز، منجر به افزایش نوسانات ارزی شده و در این بین وارداتی بودن برخی از مواد اولیه مورد نیاز موجب تأثیر منفی مضاعف بر این گروه‌های تعرفه‌ای شده است.

در رابطه با واردات نیز در گروه محصولات نباتی به‌طور محسوس سهم وارداتی در طول برنامه‌های توسعه



افزایش یافته است. در مقابل در گروه مروارید و سنگ‌های گرانبها به تدریج سهم واردات کاهش یافته است. در رابطه با گروه‌هایی از جمله فلزات معمولی و محصولات معدنی پس از افزایش سهم در دوره چهارم نسبت به دوره سوم در دوره‌های پنجم و ششم به تدریج سهم وارداتی کاهش یافته است. در مقابل در رابطه با گروه‌های محصولات صنایع شیمیایی و گروه ماشین‌آلات سهم از کل واردات پس از کاهش در برنامه چهارم مجدداً در برنامه‌های پنجم و ششم افزایش یافته است.

بنابراین مشاهده می‌شود که ترکیب گروه‌های صادراتی و وارداتی مختلف، در طول برنامه‌های توسعه دستخوش تغییر شده است که چنین تغییراتی می‌تواند از عوامل متعددی نشأت گرفته باشد. با این حال، با توجه به اثرگذاری مستقیم سیاست‌های ارزی بر بخش تجارت خارجی، مسلماً یکی از علل اصلی این تغییرات، سیاست‌های ارزی اتخاذ شده بوده است.

همچنین، نتایج نشان می‌دهد که ترکیب بیشترین کالاهای صادراتی و وارداتی در طول برنامه‌های توسعه تا حد زیادی ثابت مانده است. به طوری که بیشترین صادرات در طول تمامی برنامه‌های توسعه به گروه محصولات معدنی اختصاص یافته است. گروه‌های فلزات معمولی، محصولات شیمیایی و محصولات نباتی نیز نسبت به باقی گروه‌ها سهم بیشتری در صادرات داشته‌اند. این ترکیب نشان می‌دهد که بخش عمده صادرات کشور در زمینه مواد خام و فرآوری نشده و صنایع وابسته به منابع طبیعی انجام گرفته است. به ویژه اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز می‌تواند در افزایش سهم چنین کالاهایی مؤثر بوده باشد. در این زمینه افزایش سهم صادراتی گروه محصولات معدنی در خلال برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه مشهود است. در واقع در شرایط تورمی اقتصاد ایران، هزینه‌های ریالی بنگاه‌های داخلی افزایش یافته و اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز نیز رقابت‌پذیری چنین بنگاه‌هایی را در مقابل رقبای خارجی کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی بنگاه‌های برخوردار از رانت منابع طبیعی که هزینه تمام شده پایین‌تری دارند، می‌توانند به تولیدات خود مطابق با روال سابق و یا حتی در شرایط بهتر ادامه دهند.

از طرفی، با توجه به اینکه بخش زیادی از واردات کشور را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهد، تبعات سیاست‌های ارزی بر واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌تواند تا حد بسیار زیادی بخش تولیدات صنعتی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. همان‌طور که تحلیل سهم کالاهای وارداتی در طول برنامه‌های توسعه نشان داد، بخش زیادی از واردات کشور در گروه‌های ماشین‌آلات و ادوات برقی، فلزات معمولی و صنایع شیمیایی صورت می‌گیرد، با توجه به اینکه عمده کالاهای وارداتی واسطه‌ای و سرمایه‌ای در این گروه‌ها قرار دارند، تغییرات نرخ ارز تا حد بسیاری واردات این گروه‌های کالایی را متأثر خواهد ساخت.

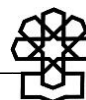
۴. بررسی نقش تحریم‌های اقتصادی در تأثیرپذیری بخش بازرگانی خارجی از سیاست‌های ارزی و بالعکس

در سال‌های اخیر تشدید تحریم‌های بین‌المللی بیش از هر موضوع دیگری عملکرد اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده است. در این زمینه، علاوه بر تحریم‌های تجاری و محدودیت‌هایی در زمینه صادرات و واردات، تحریم‌های مالی نیز با جلوگیری از انجام معاملات مالی، نقل و انتقالات پول و سرمایه‌گذاری، بخش تجارت خارجی کشور را متأثر ساخته است. براین اساس افزایش تحریم‌ها هزینه مبادلات تجاری کشور را افزایش داده است.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد در عمده سال‌های قبل از تشدید تحریم سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی، سیاست اصلی اتخاذ شده در رابطه با وضعیت بازار ارز کشور بوده است. سیاستی که با توجه به رشد بالای نقدینگی در کشور به کاهش نرخ ارز حقیقی منجر شده است. پس از تشدید تحریم‌ها به تدریج قدرت بانک مرکزی برای کنترل بازار ارز کاهش یافته و بنابر مباحث اشاره شده در بخش ۲ نرخ ارز حقیقی در دوره زمانی پس از تحریم به‌طور متوسط افزایش یافته است. بر مبنای ادبیات موجود در رابطه با اثرگذاری نرخ ارز حقیقی بر صادرات و واردات کشور، انتظار می‌رود که افزایش نرخ ارز حقیقی، افزایش صادرات و کاهش واردات را در پی داشته باشد. در این قسمت از پژوهش با تفکیک دو دوره زمانی قبل (۱۳۸۹-۱۳۷۹) و پس از تحریم (۱۳۹۰-۱۴۰۰)، اثرگذاری تغییر نرخ ارز در طی دو بازه زمانی مذکور بر صادرات و واردات گروه‌های کالایی مختلف بررسی می‌شود.

جدول ۱. متوسط حجم صادرات گروه‌های کالایی قبل و پس از تشدید تحریم (میلیون دلار)

تغییرات (%)	بعد از تحریم (۱۳۹۰-۱۴۰۰)	قبل از تحریم (۱۳۷۹-۱۳۸۹)	گروه کالایی
۱۴۷.۴	۱۰۳۰.۳	۴۱۶.۳	حیوانات زنده
۵۵.۹	۳۵۹۱.۰	۲۳۰۳.۱	محصولات نباتی
-۹۰.۹	۶۴.۱	۷۱۱.۳	چربی‌ها و روغن حیوانی
۲۲.۶	۱۳۳۳.۵	۱۰۸۷.۱	محصولات صنایع غذایی
۲۳۹.۶	۱۰۵۷۲.۳	۳۱۱۲.۴	محصولات معدنی
۹۵.۴	۵۹۱۱.۵	۳۰۲۴.۱	محصولات صنایع شیمیایی
۱۸۶.۹	۴۹۱۹.۵	۱۷۱۴.۲	مواد پلاستیکی
۳۲۱.۲	۱۲۱.۹	۲۸.۹	پوست خام و چرم
-۸۳.۳	۴۶.۰۹	۲۷۶.۳	چوب و اشیای چوبی
-۸۸.۸	۸۴.۶	۷۵۸.۱	خمیر چوب یا سایر مواد الیافی
۷.۷	۹۸۹.۸	۹۱۸.۸	مواد نسجی و مصنوعات
۲۵۰.۴	۹۹.۱	۲۸.۲	انواع کفش



تغییرات (%)	بعد از تحریم (۱۳۹۰-۱۴۰۰)	قبل از تحریم (۱۳۷۹-۱۳۸۹)	گروه کالایی
۱۷۹.۳	۸۸۹.۹	۳۱۸.۵	مصنوعات از سنگ
-۳۳.۴	۱۶۵.۳	۲۴۸.۵	مروارید و سنگ‌های گرانبها
-۱۵.۷	۵۱۵۶.۰۵	۶۱۲۰.۹	فلزات معمولی
-۹۱	۸۴۰.۱	۹۳۴۱.۹	ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی و ادوات برقی
-۸۳.۳	۳۶۰.۳	۲۱۶۱.۸	وسایل نقلیه زمینی و هوایی
-۹۵.۱	۴۲.۱	۸۶۰.۰۸	دستگاه‌های اپتیک و عکاسی
-۴۶.۲	۹۴.۷	۱۷۶.۱	کالاها و مصنوعات دیگر
-۹۸.۱	۲۷.۷	۱۵۳۱.۵	اشیا هنری، کلکسیون

منبع: یافته‌های پژوهش.

همان‌طور که در جدول ۱، مشاهده می‌شود، اثر افزایش نرخ ارز حقیقی بر صادرات تمامی گروه‌های تعرفه یکسان نبوده است. بر این مبنا هرچند مطابق انتظار افزایش نرخ ارز حقیقی افزایش صادرات برخی از گروه‌های تعرفه را در پی داشته، اما در رابطه با برخی دیگر از گروه‌های تعرفه‌ای میزان صادرات کاهش یافته است. بر این اساس، صادرات در گروه‌های حیوانات زنده، محصولات نباتی، محصولات صنایع غذایی، محصولات معدنی، صنایع شیمیایی، مواد پلاستیکی، پوست خام و چرم، مواد نسجی، سنگ و کفش پس از افزایش نرخ ارز حقیقی، افزایش یافته است. در این میان، گروه‌های کفش، محصولات معدنی و مواد پلاستیکی با به ترتیب؛ ۲۵۰، ۲۳۹ و ۱۸۶ درصد رشد، سه گروه کالایی بوده‌اند که بیشترین رشد را پس از تحریم و افزایش نرخ ارز حقیقی تجربه کرده‌اند.

در مقابل صادرات در گروه‌های چربی‌ها و روغن حیوانی، چوب و اشیای چوبی، خمیرچوب یا سایر مواد الیافی، مروارید و سنگ‌های گرانبها، فلزات معمولی، ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی، وسایل نقلیه، دستگاه‌های اپتیک و عکاسی و گروه اشیای هنری و کلکسیون از جمله گروه‌هایی بوده‌اند که علی‌رغم افزایش نرخ ارز حقیقی با کاهش صادرات روبرو شده‌اند. گروه‌های اشیا هنری و کلکسیون، دستگاه‌های اپتیک و عکاسی و گروه ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی با به ترتیب ۹۸.۱، ۹۵.۱ و ۹۱ درصد کاهش، بیشترین نرخ کاهش را در بین گروه‌های صادراتی داشته‌اند.

بنابراین ملاحظه می‌شود که با وجود افزایش نرخ ارز حقیقی صادرات در بیشتر گروه‌های تعرفه‌ای کاهش یافته و یا افزایش قابل توجهی نداشته است. چنین نتیجه‌ای این امر را متذکر می‌شود که افزایش نرخ ارز حقیقی تنها یکی از علل افزایش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی است و مواردی از قبیل؛ وارداتی بودن برخی از مواد اولیه، مشکلات متعدد ناشی از تحریم‌های خارجی و مبادلات بانکی، نامساعد بودن محیط کسب‌وکار، عدم بهره‌مندی بنگاه‌ها از فعالیت‌های تحقیق و توسعه و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صادراتی از جمله عواملی هستند که بر رقابت‌پذیری محصولات تجاری

کشور به شکل منفی اثرگذار هستند. ضمن اینکه افزایش نرخ ارز حقیقی پس از تحریم با افزایش نوسانات و نااطمینانی همراه بوده است؛ که این موضوع خود به‌عنوان یک عامل اساسی منفی بخش تجارت خارجی و به‌ویژه صادرات کشور را متاثر ساخته است.

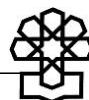
جدول ۲. متوسط حجم واردات گروه‌های کالایی قبل و پس از تشدید تحریم (میلیون دلار)

تغییرات (%)	بعد از تحریم (۱۳۹۰-۱۴۰۰)	قبل از تحریم (۱۳۷۹-۱۳۸۹)	گروه کالایی
۱۳۳.۹	۹۹۱.۳	۴۲۳.۷	حیوانات زنده
۱۸۰.۱	۶۹۶۶.۴	۲۴۸۶.۲	محصولات نباتی
۹۱.۳	۱۴۹۳.۹	۷۸۰.۸	چربی‌ها و روغن حیوانی
۹۶.۸	۲۲۳۸.۰۵	۱۱۳۷.۱	محصولات صنایع غذایی
-۷۵.۴	۷۶۰.۹	۳۱۰۰.۱	محصولات معدنی
۶۴.۸	۵۴۰۹.۵	۳۲۸۱.۱	محصولات صنایع شیمیایی
۴۰.۹	۲۵۷۴.۹	۱۸۲۷.۱	مواد پلاستیکی
-۱۷	۱۱.۲	۱۳.۵	پوست خام و چرم
۱۰۴.۱	۵۸۰.۶	۲۸۴.۴	چوب و اشیای چوبی
۵۰.۳	۱۲۶۶.۱	۸۴۲.۳	خمیر چوب یا سایر مواد الیافی
۶۱.۲	۱۳۶۸.۷	۸۴۸.۸	مواد نسجی و مصنوعات
۲۶.۳	۱۷.۱۰	۱۳.۵	انواع کفش
۳۱.۹	۴۲۹.۳	۳۲۵.۳	مصنوعات از سنگ
-۹۵.۳	۱۱.۴	۲۴۸.۷	مروارید و سنگ‌های گرانبها
-۳۲	۴۳۸۵.۵	۶۴۵۸.۷	فلزات معمولی
۲۴.۹	۱۲۷۷۶.۸	۱۰۲۲۲.۸	ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی و ادوات برقی
۷.۷	۲۶۱۰.۲	۲۴۲۳.۱	وسایل نقلیه زمینی و هوایی
۴۷.۶	۱۳۸۹.۳	۹۴۱.۲	دستگاه‌های اپتیک و عکاسی
۴۰.۲	۲۴۶.۵	۱۷۵.۷	کالاها و مصنوعات دیگر
۲۱	۱۸۵۳.۳	۱۵۳۱.۵	اشیاء هنری، کلکسیون

منبع: یافته‌های پژوهش.

در رابطه با اثرگذاری نرخ ارز حقیقی بر واردات نیز انتظار می‌رود که افزایش نرخ ارز حقیقی به کاهش واردات منجر شود. با این حال مطابق با آنچه در جدول ۲، مشاهده می‌شود، در دوره زمانی پس از تحریم تنها ۴ گروه محصولات معدنی، پوست خام و چرم، مروارید و سنگ‌های گرانبها و گروه فلزات معمولی با کاهش واردات روبرو شده‌اند. در این بین گروه‌های مروارید و سنگ‌های گرانبها و گروه محصولات معدنی با به‌ترتیب ۹۵.۳ درصد و ۷۵ درصد کاهش، بیشترین نرخ کاهش را در بین گروه‌های تعرفه داشته‌اند. در مقابل میزان واردات در ۱۶ گروه باقی مانده افزایش یافته است و گروه‌های محصولات نباتی، حیوانات زنده و گروه محصولات





چوبی بیشترین میزان افزایش واردات را تجربه کرده‌اند. این نتیجه دربردارنده این پیام است که هرچند افزایش نرخ ارز حقیقی به‌عنوان یک عامل اساسی در تضعیف واردات و تقویت مزیت رقابتی کالاهای داخلی نقش دارد؛ اما ناکارآمدی سیاست‌های تجاری و پایین بودن مزیت نسبی برخی از محصولات داخلی نیز از جمله مواردی هستند که میزان واردات کشور را متأثر ساخته و موجب می‌شوند علی‌رغم افزایش نرخ ارز حقیقی میزان محصولات وارداتی به کشور همچنان بالا باشد.

### نتیجه‌گیری

سیاستگذاری در زمینه نرخ ارز عمدتاً تحت تأثیر اهداف کلان اقتصادی کشورها قرار می‌گیرد. کنترل تورم، حفظ رقابت‌پذیری تجاری و حفظ ثبات اقتصادی از مهم‌ترین اهداف کلان اقتصادی اثرگذار بر سیاست‌های ارزی مقامات پولی کشورهاست. در این راستا در کشورهایی که وضعیت تراز تجاری به‌عنوان دغدغه جدی مطرح است، نرخ ارز حقیقی به‌عنوان متغیر اصلی مبنای عمل سیاستگذاران پولی قرار گرفته و بانک مرکزی با رصد پیوسته آن تلاش می‌کند تا این نرخ را با اهداف در نظر گرفته شده برای تراز تجاری همراستا سازد.

در این پژوهش اثرگذاری سیاست‌های ارزی بانک مرکزی بر بخش بازرگانی خارجی پس از استقرار نظام ارزی شناور مدیریت شده، مورد بررسی قرار گرفت. از این‌رو به جهت ساختار متفاوت اقلام عمده صادراتی و وارداتی، اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر تحولات ۲۰ گروه کالایی بر مبنای کدهای تعرفه نیز بررسی شد. همچنین، به جهت آثار غیرقابل انکار تحریم بر سیاست‌های ارزی و بخش بازرگانی خارجی، نقش تحریم در زمینه اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر بخش بازرگانی خارجی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج این پژوهش نشان داد؛ علی‌رغم اینکه به‌طور ویژه از برنامه چهارم توسعه، سیاستگذاری ارزی در راستای ارتقای بازرگانی خارجی مدنظر بوده است، اما در مرحله اجرا همواره سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی با هدف کنترل انتظارات تورمی، مبنای عملکرد سیاستگذاران در زمینه اتخاذ سیاست‌های ارزی قرار گرفته است. به‌طور مشخص در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه صریحاً بر نرخ‌گذاری ارز در راستای افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی تأکید شده است و بر این اساس علی‌رغم اینکه باید وضعیت نرخ ارز حقیقی به‌عنوان شاخص اصلی در زمینه سیاستگذاری ارزی مبنای قرار می‌گرفت، اما در عمل با توجه به افزایش درآمدهای ارزی و سطح مطلوب ذخایر خارجی بانک مرکزی، سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی دنبال شده است. سیاستی که با توجه به بی‌انضباطی نقدینگی و غیرمتناسب بودن آن با ظرفیت تولید در کشور، کاهش نرخ ارز حقیقی را در پی داشته و موجب شده تا تراز تجاری کشور کسری مستمر را تجربه کند. در این رابطه، بررسی وضعیت صادرات و واردات کشور نشان داد؛ پس از اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده (۱۳۸۱) تا سال ۱۳۸۹ روند نرخ ارز حقیقی کشور همواره نزولی بوده است و این امر زمینه‌ساز افزایش کسری تراز تجاری را فراهم آورده است. از سال ۱۳۹۰

علی‌رغم وجود نوسانات، به‌طور میانگین روند نرخ ارز حقیقی افزایشی بوده و همزمان کسری تراز تجاری کشور به‌تدریج کاهش یافته است.

همچنین، در رابطه با نحوه اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر کدهای تعرفه نیز نتایج نشان داد؛ بخش زیادی از صادرات کشور در زمینه مواد خام معدنی و محصولات فرآوری نشده صورت گرفته است. چنین نتیجه‌ای دربردارنده این پیام است که هرچند تعدیل نرخ ارز اسمی بر مبنای تفاوت تورم داخلی و خارجی به‌عنوان یک راهکار بهینه برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی مطرح می‌شود، اما افزایش نرخ ارز حقیقی تنها به‌عنوان یکی از راهکارهای افزایش رقابت‌پذیری محصولات داخلی است. در صورت نامساعد بودن محیط کسب‌وکار، نااطمینانی در فضای کلان و عدم توجه بنگاه‌ها به بهبود مستمر عملیات خود، افزایش نرخ ارز حقیقی تنها به‌عنوان یک راهکار مقطعی برای افزایش رقابت‌پذیری تولیدات داخلی خواهد بود و در بلندمدت به‌منظور افزایش رقابت‌پذیری صادراتی باید در کنار سیاستگذاری صحیح در زمینه نرخ ارز، اصلاحات بسیاری در سطح بنگاه و سطح کلان اقتصادی انجام گیرد.

در زمینه نقش تحریم ملاحظه شد که در طول دوره تشدید تحریم و همراه با افزایش نوسانات و جهش‌های ارزی، نرخ رشد صادرات و واردات کل کشور کاهش یافته است. به‌طوری که نرخ رشد واردات از ۱۵.۵۱ درصد به ۳.۲۵- درصد و نرخ رشد صادرات از ۲۳.۱۸ درصد به ۳.۷۳ درصد در دوره دوم رسیده است. براین‌اساس، ملاحظه می‌شود که نوسانات در نرخ ارز و به‌طور کلی نااطمینانی در اقتصاد به ایجاد نوسان در بخش تجارت خارجی کشور منجر شده است و چنانچه جهت کاهش نوسانات نرخ ارز راهکار مناسبی اتخاذ نشود، تجارت خارجی کشور با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد. بر این اساس هرچند سیاستگذاری بهینه برای حفظ یا بهبود تراز تجاری بر تعدیل نرخ ارز اسمی به میزان برابر یا بیش از تفاوت تورم داخلی و خارجی حکایت دارد، اما در این میان ثبات نرخ ارز و کاهش نااطمینانی ناشی از آن عاملی است که باید بیش از همه مورد توجه سیاستگذار قرار گیرد. بر این مبنای نیاز است تا ضمن سیاستگذاری ارزی در جهت ثبات روند بلندمدت نرخ ارز حقیقی، نوسانات و شوک‌های نرخ ارز نیز مدیریت شود.

با توجه به اثرگذاری شوک‌ها بر مبادلات تجاری کشور و کاهش نرخ رشد صادرات و واردات، تلاش در جهت توسعه بازارهای هدف اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد. در این زمینه گسترش روابط اقتصادی و برقراری توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه گام مؤثری در جهت دسترسی سریع‌تر، بیشتر و بهتر تجار ایرانی به بازارهای جهانی تلقی خواهد شد. به‌ویژه، در این زمینه برقراری روابط در سطح انعقاد پیمان‌های پولی، نظیر سیستم پولی شانگهای می‌تواند تأثیر بسزایی در رفع مشکلات کشور در حوزه بازرگانی و مبادلات ارزی داشته و موجب کمتر شدن آثار منفی تحریم بر اقتصاد کشور شود.

به‌طورکلی بر مبنای مطالب عنوان شده، هدف گسترش تنوع کالاهای صادراتی به‌منظور رهایی از اقتصاد



تک محصولی به‌عنوان یک ضرورت برای اقتصاد کشور مطرح است و در این میان سیاست‌های ارزی اتخاذ شده توسط مقامات کشور نقش بسیار زیادی جهت تحقق هدف مذکور خواهد داشت. بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان داد که در سطح برنامه‌ریزی، توسعه بخش غیرنفتی و سیاستگذاری ارزی همراستا با آن همواره مورد توجه بوده است، اما در عمل عموماً سیاست‌های ارزی به‌نحوی اجرا شده که موجبات تضعیف صادرات غیرنفتی و تقویت واردات را فراهم آورده است. بر این اساس نیاز است تا در تدوین برنامه هفتم توسعه اقتصادی ضمن توجه به هدف متنوع‌سازی صادرات کشور به‌عنوان یک ضرورت و سیاستگذاری ارزی صحیح همراستا با آن، ضمانت‌های اجرایی لازم برای تحقق اهداف مذکور پیش‌بینی شود. مبنای قرار دادن نرخ ارز حقیقی و تلاش برای ایجاد ثبات در روند بلندمدت آن، همراه با اصلاحات در سطح خرد و کلان اقتصاد می‌تواند در بلندمدت تحقق هدف افزایش سهم تولیدات غیرنفتی از صادرات کشور و متنوع‌سازی محصولات صادراتی را در پی داشته باشد.

#### منابع و مآخذ

۱. قوانین برنامه‌های اول تا ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
۲. رحیمی بروجردی، علیرضا. اقتصاد بین‌الملل (تجارت و مالیه بین‌الملل)، نشر سمت، ۱۳۹۸.
3. Moreno, R. (2005). Motives for intervention. BIS papers, 24.
4. [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org).
5. <https://irica.ir>.
6. [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir).





مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان یاسیداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۵۵ ۱۵۸۷۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)